

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی

پایه هشتم
دوره اول متوسطه



إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَهُ
لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَهُ؟

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صدعلامت

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

● برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

● نام کتاب: عربی پایه هشتم دوره اول متوسطه - ۱۳۵

● شورای تألیف و برنامه‌ریزی درسی: عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، حسن حیدری، اباذر عباچی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌نژاد

● مؤلفان: عادل اشکبوس، حبیب تقوایی و اباذر عباچی

● ویراستار: محمدکاظم بهنیا

● آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی- ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی ۱۵۸۴۷۴۳۵۹، وبگاه: www.chap.sch.ir

● مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی

● مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

● طراح گرافیک، طراح جلد، عکاس و صفحه‌آرا: محمد مهدی ذبیحی فرد

● حروفچین: زینب یوسف نژاد، فاطمه باقری‌مهر، سیده فاطمه محسنی

● امور آماده‌سازی خبر: فاطمه پزشکی

● امور فنی رایانه‌ای: مریم دهقان‌زاده، فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد

● ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۰۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

● چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

● سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۳

حقی چاپ محفوظ است.



قال الإمام الخميني (رحمه الله): «اللغة العربية لغة الإسلام.»



الفهرس

الدّرسُ الأوّلُ مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصّفِّ السّابِعِ ----- ١

الدّرسُ الثّاني أهُمِّيَّةُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ ----- ١٥

الدّرسُ الثّالثُ مَهْنَتُكَ فِي المُسْتَقْبَلِ ----- ٢٩

الدّرسُ الرّابعُ التّجَرِبَةُ الجَدِيدَةُ ----- ٤١

الدّرسُ الخامسُ الصّدَاقَةُ ----- ٥٣

الدّرسُ السّادسُ فِي السّفَرِ ----- ٦٣

الدّرسُ السّابعُ ﴿...أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ﴾ ----- ٧٥

الدّرسُ الثّامنُ الإِعْتِمَادُ عَلَى النّفْسِ ----- ٨٧

الدّرسُ التّاسعُ السّفَرَةُ العِلْمِيَّةُ ----- ٩٩

الدّرسُ العاشرُ الحِكمُ ----- ١١٣

مُعْجَم

سخنی با دبیران عربی و گروه‌های آموزشی

برای تدریس این کتاب باید:

۱. کتاب عربی پایه هفتم را تدریس کرده باشید.
۲. دوره آموزشی ضمن خدمت را گذرانده باشید.
۳. کتاب معلّم را تهیه کنید؛ فایل کتاب معلّم در سایت گروه عربی است.

خدای را سپاس که به ما توفیق دوباره داد؛ تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

این کتاب دومین کتاب عربی دوره اول متوسطه است. شورای تألیف، شامل گروهی از استادان دانشگاه و معلّمان بوده است. کتاب همچون سال گذشته پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است؛ تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد.

رویکرد «راهنمای برنامه درسی عربی» بر اساس «برنامه درسی ملی» «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» است. شیوه کتاب، متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آن را بفهمد. در این کتاب نزدیک به ۲۰۰ واژه به کار رفته؛ اما حدود ۴۰۰ واژه سال گذشته نیز تکرار شده است؛ پس در حقیقت، هدف این کتاب آموزش حدود ۶۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. تألیف کتاب براساس اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» انجام شده است. برنامه درسی ملی، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده نقشه راه برای تألیف کلیه کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است و جا دارد از همه نویسندگان کتاب‌های درسی عربی پیشین تشکر گردد.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند. تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف اصلی؛ تا اندازه‌ای ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند.

از آنجا که دانش‌آموز در سال اول کلمات بسیاری را آموخته و تا حدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در این کتاب، متن‌ها طولانی‌تر گشته است. در پایه هفتم، آیات قرآنی کمتر به کار رفته است؛ زیرا این قابلیت در کتاب نبود؛ اما در پایه هشتم، وضعیّت فرق دارد و دانش‌آموز کلمات بسیاری آموخته و با پاره‌ای از ساختارهای مهمّ زبان عربی آشنا شده است.

بنابه درخواست گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش‌آموزان و به استناد برنامه درسی ملیّ مجدداً مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و به درس عربی جذابیت می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد، ولی مکالمه هدف اصلی آموزش کتاب حاضر نیست.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب

۱. این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس در دو جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۲. دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلم به مطالب کتاب بسنده کند و مطلقاً مطالب اضافی آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد، به تدریج فرا خواهد گرفت.

۳. سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب، مبنی بر ساده سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ لذا باید در امتحانات از طراحی سوالات معماگونه خودداری کرد.

۴. کار عملی در کتاب عربی تهیه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان نویسی است؛ یعنی دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن یا نوشتن به نمایش بگذارد.

۵. این کتاب افزون بر اینکه مکمل کتاب پیشین است؛ پشتیبان تثبیت واژگان و ساختار آموزش داده شده در پایه نخست نیز می‌باشد. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود هستند.

۶. در بخش «بدانیم» سعی شده است با شاهد مثال، اصول زبان به دانش‌آموز آموخته شود. ذکر تعاریف و اصطلاحات فقط به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و نیازی به حفظ آنها نیست. هدف از بخش‌های «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» کمک به فهم بهتر متن و عبارت است. آنچه در این بخش آمده، به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز آن را می‌آموزد تا به کمک آن درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. هدف اصلی درست خواندن، فهمیدن و ترجمه است. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز لحاظ شده است. به همین دلیل نمره بخش قواعد کم است.

۷. از ارائه «جزوه مکمل قواعد» به دانش‌آموز خودداری گردد. آنچه در زمینه قواعد لازم بوده در همین کتاب تحت عنوان «بدانیم» آمده است.

۸. طرح سؤالات امتحان کتبی عربی در نوبت اول و دوم از ۱۵ نمره است؛ ۵ نمره شفاهی قرائت و مکالمه است.

۹. مطلقاً از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا چنین سؤالاتی جزء اهداف عربی سال اول و دوم دوره اول متوسطه نیست. دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در سال اول و دوم از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود. (در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا نهایتاً دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست.)

۱۰. تبدیل افعال و ضمائر از اهداف این کتاب نیست و باید از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی خودداری کرد؛ مثال:

هَذِهِ الْمَرْأَةُ دَهَبَتْ إِلَى بَيْتِهَا.	این جمله را به جمع تبدیل کنید:
هُمْ رَجَعُوا مِنْ سَفَرَتِهِمْ أَمْسٍ.	در جای خالی کلمات مناسب بنویسید:
... مِنْ سَفَرَتِهِمْ عَدَاً.	

۱۱. همانند کتاب پایه هفتم، هیچ واژه‌ای بیرون از جمله سؤال نشود. ترجمه

کلمات، در داخل جمله خواسته شود؛ مثلاً:

ترجمه کلمه مشخص شده را بنویسید. أَنَا أَقْدِرُ عَلَى قِرَاءَةِ النَّصُوصِ الْبَسِيطَةِ.

۱۲. در پاسخ‌گویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ

کامل مد نظر نیست. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «بِمَ تَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ؟» پاسخ

«بالسيارة» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین

پاسخ داده شود:

«أُزِجُّ إِلَى الْبَيْتِ بِالسَّيَّارَةِ.»

از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن

گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

در برخی مدارس خاص می‌توان از دانش‌آموزان خواست که پاسخ کامل دهند.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس تهیه کند و در آن

تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد؛ آن گاه تصویر کوه را به دانش‌آموز نشان

دهد و بپرسد: هَلْ هَذَا جَبَلٌ؟

تصویر کشاورز را نشان دهد و بپرسد: مَنْ هُوَ؟

تصویر گل را نشان دهد و بپرسد: مَا هَذِهِ؟

تصویر سه کلید را نشان دهد و بپرسد: كَمْ عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟

همه سؤالاتی را که معلم می‌خواهد بپرسد؛ می‌تواند در پشت برگه تصویر برای

راحتی کار بنویسد.

در همه این موارد پاسخ کوتاه کافی است. حتی اگر دانش‌آموز نتوانست پاسخ

درست دهد؛ ولی معنای سؤال را بفهمد؛ نیمی از نمره را می‌گیرد. همچنین می‌توان

بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز باید

تواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند.

۱۳. هدف در آزمون شفاهی روخوانی، درست خواندن است. بدیهی است

برگزاری آزمون شفاهی در یک روز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، آنچه را دانش‌آموز در

طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی او، نمره شفاهی‌اش را

تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تمرین دارد و به تدریج، این مهارت تقویت می‌گردد. لذا، ملاک نمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیت دانش‌آموز است.

۱۴. به منظور تسهیل آموزش و صرفه‌جویی در وقت، در بسیاری از جاهای کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد.

۱۵. هرچند کتاب کار در آموزش هر زبانی مناسب است؛ اما تجربه تلخ نشان داده است اغلب کتاب‌های کار زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش را فراهم می‌کنند و با طرح مباحث غیر ضروری، خارج از اهداف و سؤالات معماگونه، قاعده‌مدارانه و شبیه به کنکور و حجم سنگین و غیر منطقی، زمینه را برای دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کار نامناسب است.

۱۶. ما ایمان داریم که کار اصلی را معلم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با سیاست دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

در پایان، برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم. در صورتی که تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید. همچنین از طریق لینک‌های این سایت می‌توانید با وبلاگ‌های فعال معلمان عربی سراسر کشور آشنا شوید.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با اولیای گرامی

این کتاب ادامه کتاب عربی پایه هفتم دوره اول متوسطه و مکمل آن است. آنچه را دانش آموز در سال گذشته در زمینه واژگان و ساختار زبان عربی آموخته است؛ مجدداً در ضمن عبارات و متون کتاب بازآموزی می‌کند. در صورت تمایل می‌توانید با مراجعه به وبگاه (سایت) گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، راهنمای تدریس معلم را بارگذاری (دانلود) و از آن استفاده کنید. نشانی وبگاه عربی:

www.arabic-dept.talif.sch.ir

آنچه باید مورد توجه اولیا در کتاب عربی پایه هفتم و هشتم باشد، این است:

۱. رویکرد برنامه درسی عربی «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم

متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» است؛

۲. هدف اصلی این کتاب آموزش روان خوانی و ترجمه از عربی به فارسی است؛

۳. ترجمه از فارسی به عربی در تدریس و ارزشیابی هدف آموزشی این کتاب

نیست؛

۴. هر گونه تبدیل جمله (از مفرد به مثنی یا جمع و تبدیل از مذکر به مؤنث)

از اهداف کتاب نیست؛

۵. در بخش قواعد هیچ مطلبی بیرون از آموخته‌های کتاب نباید آموزش داده

شود؛ زیرا دانش آموز به تدریج آنچه را در زمینه درس عربی باید بیاموزد خواهد آموخت؛

همچنین اگر قصد کمک به فرزندان را دارید لطفاً از روش قدیمی آموزش فعل ماضی و

مضارع خودداری کنید؛ آموزش فعل ماضی و مضارع در این کتاب بومی سازی شده و با

شیوه دستور زبان فارسی هماهنگ شده است. آموزش افعال به صورت (من می‌روم. تو می‌روی. او می‌رود. ما می‌رویم. شما می‌روید. آنها می‌روند.) می‌باشد.

۶. بسیاری از کتاب‌های کار موجود در بازار، اهداف مصوب برنامه درسی عربی را رعایت نمی‌کنند و مطالبی فراتر از آموخته‌های کتاب و با حجم سنگین در حالت معماً مطرح می‌کنند که موجب خستگی و اتلاف وقت است. بیشتر مطالب اضافه نیز در حوزه قواعد است؛ در حالی که کتاب‌های نونگاشت عربی قاعده محور نیست؛ بلکه متن محور است و در بیست نمره امتحانی سهم اندکی دارند.

۷. بسیاری افراد به قاعده محوری در آموزش عربی عادت کرده اند. توجه داشته باشید که این کتاب متن محور است.

۸. کار عملی در این کتاب، تهیه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند اجرای نمایش، مکالمه و سرود به زبان عربی و ترجمه تصویری و داستان نویسی بر اساس تصاویر دنباله‌دار است. کار عملی باید بر اساس مهارت‌های زبانی باشد. همچنین در کتاب درسی برخی فعالیت‌های تحقیقی برای دانش‌آموزان پیش بینی شده است؛

۹. از بیست نمره امتحانی سه نمره به روخوانی و دو نمره به مکالمه اختصاص داده شده است. در مکالمه کافی است دانش‌آموز به جملات دارای کلمات پرسشی «هل، أ، این، ما (ماذا، ماهو، ما هی)، مَنْ، لِمَنْ، کَم، لِمَاذا، مَتَى، کِیْف» پاسخ کوتاه دهد؛ (در یک یا دو کلمه) مثال:

- | | |
|-------------------------------------|---------------|
| هل أنت من العراق؟ | - لا. |
| أ أنت صادق؟ | - نعم. |
| ما اسمك؟ | - أحمد. |
| من أنت؟ | - لیلی. |
| لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ | - لِسَعِيد. |
| کَم قَلَمًا هُنَا؟ | - أَرْبَعَة. |
| لِمَاذَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ | - لِفَهْمِهِ. |
| مَتَى تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ | - صَبَاحًا. |
| کِیْفَ حَالُكَ؟ | - بِخَيْر. |

سؤالات بخش مکالمه باید بسیار ساده و ابتدایی باشد. تنها جایی که «ساختن» از دانش آموز خواسته می‌شود، بخش مکالمه است و در سایر بخش‌های کتاب، چنین هدفی وجود ندارد. در این بخش، نیز در دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگیان به دبیران توصیه شده است که پرسش‌های بخش مکالمه باید در نهایت سادگی باشند؛ زیرا دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است؛

۱۰. خوب است بدانید در هر یک از ادارات آموزش و پرورش سراسر کشور بخشی به نام «گروه‌های آموزشی» وجود دارد که معلمان را در زمینه روش‌های تدریس و ارزشیابی، راهنمایی و مشکلات آموزشی را حل می‌کنند؛

۱۱. کتاب بر اساس «برنامه درسی ملی» و با توجه به «راهنمای برنامه درسی عربی» تألیف شده است.

سخنی با دانش آموزان

عربی می‌خوانیم زیرا:

۱. زبان قرآن، علوم و معارف اسلامی و زبان نخست جهان اسلام است؛
۲. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر فارسی آشنایی با عربی ضروری است؛

۳. یکی از زبان‌های بین‌المللی و مهم جهان است؛

۴. بسیاری از آثار علمی و فرهنگی تاریخ بشر به زبان عربی است.

۵. یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است.

در سال گذشته نزدیک به ۴۰۰ کلمه عربی را آموختید که بسیاری از آنان یا هم‌خانواده آنها در زبان فارسی نیز کاربرد دارند. امسال نیز حدود ۲۰۰ کلمه دیگر به آموخته‌های شما افزوده می‌شود. پس در پایان سال تحصیلی، شما معنای حدود ۶۰۰ کلمه عربی را خواهید آموخت.

شاید برخی آموخته‌های خود را از یاد برده باشید. جای نگرانی نیست؛ زیرا این کتاب به گونه‌ای نگاشته شده که آموخته‌های قبلی شما در لا به لای عبارات‌ها و متون کتاب پایه هشتم گنجانده شده است.

تکرار و تمرین در هر درسی به ویژه درس عربی لازم است. شایسته است تکالیفی را که معلّم برای شما تعیین می‌کند به خوبی انجام دهید تا پایه درسی شما تقویت گردد.





الدرس الأول



- لِلشَّاعِرَةِ الْإِيرَانِيَّةِ بَرُوينِ اعْتصامي.

- لِمَنْ هَذَا الْبَيْتُ؟

مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ

الْمُعْجَم

سَنَةُ دِرَاسِيَّةٍ: سالِ تَحْصِيْلِي

مُراجَعَةُ: دورِه

بَسِيْطٌ: سادِه

ثامِنٌ: هشتم



السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الطُّلَّابُ؛
أَهْلًا وَ سَهْلًا فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟
السَّنَةُ الدِّرَاسِيَّةُ الْجَدِيْدَةُ مَبْرُوكَةٌ.
الْحَمْدُ لِلَّهِ لِأَنَّكُمْ قَادِرُونَ عَلَى فَهْمِ الْعِبَارَاتِ الْبَسِيْطَةِ.

التَّمْرِيْنُ الْأَوَّلُ

● سخنانِ حَكِيْمَانَه زيرِ را بخوانيد سپس ترجمه ناقص را كامل كنيد.

١. الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا تَمَرٍ.

دانشمندِ بدونِ عمل، مانندِ درختِ بدونِ است.



۲. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

..... با دانشمندان عبادت است.

۳. رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ.

..... خوشنودی خدا در خوشنودی است.

۴. تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

..... ساعتی اندیشیدن، از عبادت سال بهتر است.

۵. الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ.

..... مؤمن، کم حرف و است.

۶. أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

..... ادب آدمی بهتر از اوست.

• حدیث اول تا پنجم از پیامبر اسلام ﷺ و حدیث ششم از حضرت علی علیه السلام است.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● سخنان حکیمانه زیر را بخوانید، سپس ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱. الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

الف) تنهایی از همنشین بد بهتر است. ب) وحدت از پراکندگی بهتر است.

۲. النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ: النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ النَّظَرُ

فِي الْبَحْرِ.

الف) نگاه به سه چیز عبادت است: نگاه به قرآن، نگاه به چهره پدر و مادر، و نگاه به دریا.

ب) نگاه به چند چیز پرستش است: نگاه به مصحف، نگاه به صورت والدین، نگاه به دریا.

۳. الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.

مسلمان کسی است که مردم ...

الف) از زبان و دستش سالم بمانند. ب) از زبان و دستانش راضی باشند.

۴. سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَةِ.

الف) سلامت جامعه در مدارا کردن است. ب) سلامت زندگی در مدارا کردن است.

۵. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

الف) دست خدا با جماعت است. ب) یاری خدا در همیستگی است.

٦. إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ؛ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

(الف) هر وقت پستی حاکم شود؛ فضیلت را نابود می‌کند.

(ب) هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند؛ شایستگان هلاک می‌شوند.

٧. مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.

(الف) هرکس دشمنی کاشت؛ زیان درو کرد.

(ب) هرکس بدی کاشت؛ پشیمانی درو کرد.

• حدیث اول تا سوم از پیامبر اسلام ﷺ و حدیث چهارم تا هفتم از حضرت علی عَلِيٍّ است.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● ترجمه کنید.

١. هَذَا الشَّاعِرُ، إِيرَانِيٌّ.

٢. هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.

٣. ذَلِكَ اللَّاعِبُ، فَائِزٌ.

٤. تِلْكَ الْكَاتِبَةُ، عَالِمَةٌ.

٥. هَذَانِ الْبَائِعَانِ، شَاكِرَانِ.

٦. هَاتَانِ الْبِنْتَانِ، صَابِرَتَانِ.

٧. هُوَلاءِ الْأَصْدِقَاءِ، وَاقِفُونَ.

٨. أُولَئِكَ الْأُمَّهَاتُ، جَالِسَاتٌ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

با توجّه به تصویر پاسخ کوتاه دهید.



أ هَذَا قَمِيصٌ أَمْ سِرْوَالٌ؟



مَا هَذِهِ؟



لِمَنْ هَذَا الْبَيْتُ؟



أَيْنَ جَلَسَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟



كَمْ عَدَدُ الْأَحْجَارِ؟

أَحْجَارٍ



مَنْ هَذَا الشَّاعِرُ؟

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

زير هر تصوير، تعداد آن را به عربی بنويسيد.

(واحد / اثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / ستة / سبعة / ثمانية / تسعة / عشرة /
أحد عشر / اثناعشر)



التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱. أَنَا مَا رَجَعْتُ إِلَى بَيْتِي.

من به خانه ام باز نگشتم. من به خانه برگشتم.

۲. أَنْتَ فَعَلْتِ وَاجِبَاتِكَ.

تو تکالیف را انجام دادی. تو تکالیف را انجام می‌دهی.

۳. أَنْتِ غَسَلْتِ مَلَابِسِكَ.

تو لباس را شستی. تو لباس‌هایت را شستی.

۴. هُوَ لَعِبَ مَعَ صَدِيقِهِ.

او پیش دوستش بازی می‌کند. او همراه دوستش بازی کرد.

۵. هِيَ طَرَقَتْ بَابَ بَيْتِهَا.

او در خانه‌اش را کوپید. او در خانه‌ای را می‌کوبد.

۶. نَحْنُ دَهَبْنَا إِلَى صَفْنَا.

ایشان به کلاس‌هایشان رفتند. ما به کلاس‌مان رفتیم.

۷. أَنْتُمْ نَصَرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ.

شما دوستان را یاری می‌کنید. شما دوستانتان را یاری کردید.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

ترجمه کنید.

۱. أَنْتَنْ كَتَبْتَنْ دَرَسَكُنَّ.....
۲. أَنْتُمْ ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.....
۳. هُمْ رَفَعُوا أَيْدِيَهُمْ.....
۴. هُنَّ وَصَلْنَ إِلَى عُرْفَتِهِنَّ.....
۵. هُمَا قَرَبَا مِنْ قَرَيْتِهِمَا.....
۶. هُمَا وَجَدَا مِفْتَاحَهُمَا.....

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

عبارت‌های مرتبطِ دو ستون را با خطی به هم وصل کنید.

سَمِيرَة	فاطمه
صَبَاحَ النَّوْرِ.	السَّلَامُ عَلَيْكَ.
هُمُ جَالِسُونَ هُنَاكَ.	صَبَاحَ الْخَيْرِ.
إِسْمِي سَمِيرَةٌ.	كَيْفَ حَالُكَ؟
وَّعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.	مَا اسْمُكَ؟
مَعَ السَّلَامَةِ، إِلَى اللَّقَاءِ.	هَلْ أَنْتِ مِنَ الْعِرَاقِ؟
أَنَا بَخِيرٌ.	أَيْنَ أَسْرَتُكَ؟
لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ

جاهای خالی را با کلمه مناسبی از داخل پراونتز پر کنید.

(أَسْوَدَ / أَبْيَضَ / أَحْمَرَ / أَزْرَقَ / أَخْضَرَ / أَصْفَرَ)



العِنَبُ الـ



الرُّمَّانُ الـ



التُّفَّاحُ الـ



البَحْرُ الـ



السَّحَابُ الـ



الْوَرْدُ الـ

التَّمْرِينُ العَاشِرُ

نام روزهای هفته را به ترتیب در این برنامه هفتگی بنویسید.^۱ دو کلمه اضافه است.

(الْخَمِيسَ / السَّبْتِ / الْجُمُعَةَ / الاثْنَيْنِ / الأربِعاء / الأَحَدِ / الثَّلَاثاءِ)

يَوْمٌ	العَرَبِيَّةُ	الرِّيَاضَةُ	الفَارِسِيَّةُ
يَوْمٌ	الرِّيَاضِيَّاتُ	الْعُلُومُ الاجْتِمَاعِيَّةُ	التَّرْبِيَّةُ الدِّينِيَّةُ
يَوْمٌ	الْعُلُومُ الاجْتِمَاعِيَّةُ	تَعْلِيمُ الْقُرْآنِ	التَّفَكُّرُ وَ اُسْلُوبُ الْحَيَاةِ
يَوْمٌ	الْعُلُومُ التَّجْرِبِيَّةُ	الرِّيَاضِيَّاتُ	الْعَمَلُ وَ التَّقْنِيَّةُ
يَوْمٌ	الانْجِلِيزِيَّةُ	الْاِمْلَاءُ	الثَّقَافَةُ وَ الفَنُّ

۱- دانستن نام دروس به زبان عربی از اهداف این کتاب نیست.

التَّمْرِينُ الْحَادِي عَشَرَ

نام هر فصل را بنویسید.



الرَّ الصَّ الخ الشَّ

التَّمْرِينُ الثَّانِي عَشَرَ

الف) کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

حَزَنٌ فَرِحَ	بَيْتٌ مَنْزِلٌ	أُمٌّ وَالِدَةٌ
خَلْفٌ وَرَاءَ	أَبٌ وَالِدٌ	ذَهَبَ رَجَعَ
قَرِيبٌ بَعِيدٌ	كَبِيرٌ صَغِيرٌ	عُدُوَانٌ عَدَاوَةٌ
أَمْسٌ غَدٌ	بُسْتَانٌ حَدِيقَةٌ	جَمِيلٌ قَبِيحٌ

ب) کلمات متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

قَلِيلٌ بَدَايَةٌ تَحَتَّ غَالِيَةٌ كَثِيرٌ فَوْقَ آخِرٌ سَوْءٌ
حُسْنٌ يَمِينٌ أَوَّلٌ رَخِيصَةٌ حَارٌّ يَسَارٌ بَارِدٌ نِهَائَةٌ

.....
.....

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ عَشَرَ

کدام کلمه از نظر معنایی یا دستوری با بقیه کلمات ناهماهنگ است؟

۱. مَصْنَع مَكْتَبَةٌ مَدْرَسَةٌ مَلِكٌ
۲. شَعْرَنَ لَاعِبُونَ فَاعِلِينَ مُدْرَسَاتٍ
۳. رَجِمَ خَافَ وَرَاءَ نَصَرَ
۴. رَجُلَانِ حَدَائِقِ أَشْجَارِ فَوَاكِهَ
۵. هَرَبَ هَذَا ذَلِكَ هَذِهِ
۶. أَنَا وَرَدَةٌ أَنْتَ هُمْ
۷. صَوْرَةٌ لِمَاذَا كَيْفَ مَنْ
۸. وَقَعَ قَدَفَ رَبُّ سَلِمَ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشَرَ

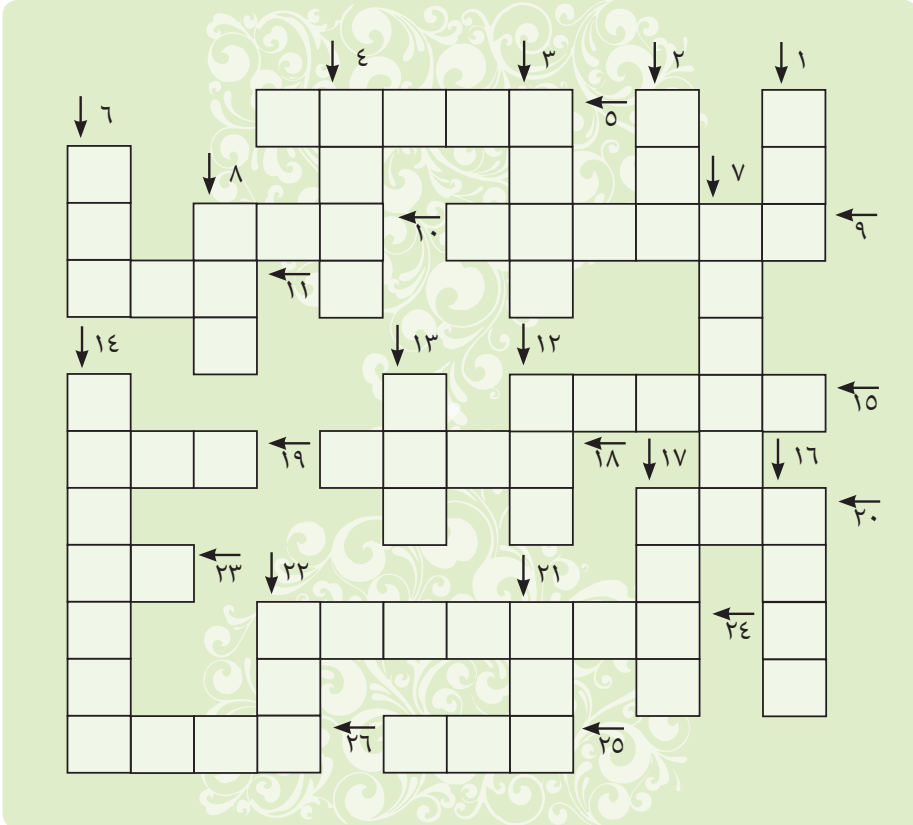
گزینه مناسب را انتخاب کنید.

<input type="checkbox"/> اللُّوحَةُ <input type="checkbox"/> الْفُسْتَانُ <input type="checkbox"/>	۱. مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ وَ البَنَاتِ:
<input type="checkbox"/> الذَّهَبُ <input type="checkbox"/> الْقَمِيصُ <input type="checkbox"/>	۲. قِيمَتُهُ غَالِيَةٌ جِدًّا:
<input type="checkbox"/> سَبْعَةٌ <input type="checkbox"/> تِسْعَةٌ <input type="checkbox"/>	۳. عَدَدُ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ:
<input type="checkbox"/> الْفَلَاحُ <input type="checkbox"/> الْحَدِيقَةُ <input type="checkbox"/>	۴. مَكَانُ الْأَشْجَارِ:
<input type="checkbox"/> الْجَدُّ <input type="checkbox"/> الْجَدَّةُ <input type="checkbox"/>	۵. أُمُّ الْأَبِ:

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ عَشَرَ

ترجمة این کلمات را در جدول بنویسید.

- | | | | | |
|----------------|------------------|---------------|-------------------|-----------------|
| ١- ثَمَانِيَّة | ٢- شَهْر | ٣- وَصَلَ | ٤- أُسْبُوع | ٥- أُسْرَار |
| ٦- كَيْتَ | ٧- مَا ذَهَبْنَا | ٨- طَرِيق | ٩- وَحْدَةَ | ١٠- شَبَكَةَ |
| ١١- نَار | ١٢- كُلِّ | ١٣- مَدِينَةَ | ١٤- مَا أَكَلْنَا | ١٥- نَجْم |
| ١٦- صَفَّ | ١٧- سَفِينَةَ | ١٨- سَمَكَةَ | ١٩- أَحْمَرَ | ٢٠- مُسَاعَدَةَ |
| ٢١- كَانَ | ٢٢- عِنْدَ | ٢٣- بَاب | ٢٤- صَيْفَ | ٢٥- وَجَعَ |
| ٢٦- رَأَيْتُ | | | | |



التَّمْرِينُ السَّادِسُ عَشَرَ

● این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

(حَقَائِبِ / يَوْمَانِ / واقِفِينَ / أحياءِ / حَرَمِينَ / مؤمناتِ / فائِزُونَ / ناِحَاتِ)

مثنی	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر



الدَّرْسُ الثَّانِي



لا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.

أَتَذْهَبِينَ مَعَ أُخْتِكِ؟

الدَّرْسُ الثَّانِي

الْمُعْجَم

كَتَمَ : پنهان كرد
 كُلٌّ : همه، هر
 لِكُلِّ شَيْءٍ : برای هر چیزی، هر
 چیزی دارد
 لِسَانٌ : زبان «مترادف: لُغَةٌ»
 مُنْظَمَةٌ : سازمان
 مُنْظَمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ :
 سازمان ملل متحد
 مُبِينٌ : آشکار، آشکارکننده
 نَجَحَ : موفق شد
 نُصُوصٌ : متن‌ها «مفرد: نَصٌّ»

«عَالَمِيَّةٌ: جهانی، بین‌المللی /
 عَالَمِيْنَ: جهانیان»
 عَرَفَ : شناخت، دانست
 أَعْرَفُ : می‌دانم
 تَعْرِفُ : می‌دانی «مذْكَر»
 تَعْرِفِينَ : می‌دانی «مؤنث»
 فَهِمَ : فهمید
 تَفْهَمُ : می‌فهمی
 تَفْهَمِينَ : می‌فهمی
 قَبْلَ أُسْبُوعٍ : هفته قبل
 قَدَرَ : توانست
 أَقْدِرُ : می‌توانم
 كَأَنَّ : گویا، انگار

الْحَمْدُ لِلَّهِ : ستایش از آن
 خداست.
 أَمْثَالٌ : مثل‌ها
 أَيْضاً : همچنین
 تَعَلَّمُ : یاد گرفتن
 جَعَلَ : قرار داد
 خَدَمَ : خدمت کرد
 أَذْكَرُ : به یاد می‌آورم ← ذَكَرَ : به
 یاد آورد
 رَبُّ الْعَالَمِينَ : پروردگار جهانیان
 سَهْلٌ : سَهْلَةٌ : آسان
 عَالَمٌ : جهان

أَهْمِيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

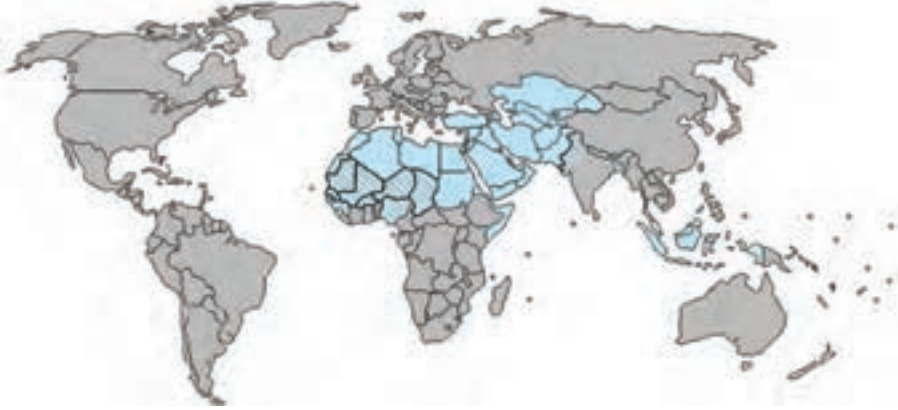
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ لِأَنَّنا نَجْحُنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ قَادِرُونَ عَلَيَّ

قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ النُّصُوصِ الْعَرَبِيَّةِ الْبَسِيطَةِ.

الْعَرَبِيَّةُ لُغَةٌ دِينِنَا وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِهَا؛ لِأَنَّ اللُّغَةَ الْفَارِسِيَّةَ

مَخْلُوطَةٌ بِهَا كَثِيرًا.

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.
الْقُرْآنَ وَ الْأَحَادِيثَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ.



العالم الإسلامي

الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.
الْإِيرَانِيُّونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا. «الْفَيْرُوزَابَادِيُّ» كَتَبَ مُعْجَمًا فِي
اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ» وَ «سَيَّوِيهِ» كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي
قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْكِتَابُ».



أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

الكلمات العربية، كثيرة في الفارسية وهذا بسبب احترام الإيرانيين للغة القرآن.
 أنا أعرفُ معنى كلمات كثيرة و أذكرُ كلَّ كلمات السنة الماضية و أقدِرُ على
 قراءة النصوص البسيطة جاء في الأمثال: «العلم في الصخر كالنقش في الحجر».

يا أخي، أنت تعرفُ معنى كلمات الكتاب الأول أيضاً؟

يا أختي، أنت تفهمين معنى الآيات و الأحاديث السهلة؟



فعل مضارع (١)

الفعل المضارع (أفعل)، (تفعل)، (تفعلين)



أنا أكتبُ بالقلم الأحمر.



أنا أكتبُ بالقلم الأسود.



أنت تحفظين القرآن بدقة.



أنت تحفظ القرآن جيداً.

بدانیم

سال گذشته با فعل ماضی آشنا شدید فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. امسال

با فعل مضارع آشنا می‌شوید. فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند. به مقایسه

فعل‌های عربی و فارسی توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
من انجام می‌دهم.	أَنَا أَفْعَلُ. 	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ. 
تو انجام می‌دهی.	أَنْتَ تَفْعَلُ. 	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ. 
	أَنْتِ تَفْعَلِينَ. 		أَنْتِ فَعَلْتِ. 

بیشتر کلمه‌هایی که بر آهنگ «فَعَلَ ، فَعِلَ و فَعَلَّ» هستند؛ فعل ماضی اند و

اگر بر سر آنها یکی از حروف «أ ، تَد ، نَد ، يَد» بیاید؛ به فعل مضارع تبدیل می‌شود؛

مثال: ذَهَبَ ۞ أَذْهَبُ ، تَذْهَبُ ، تَذْهَبِينَ

..... می‌روم 	أَذْهَبُ رفتم 	ذَهَبْتُ
.....	أَصْنَعُ	صَنَعْتُ
..... می‌دانی 	تَعْلَمُ دانستی 	عَلِمْتَ
.....	تَزْرَعُ	زَرَعْتَ
..... می‌شناسی 	تَعْرِيفِنَ شناختی 	عَرَفْتَ
.....	تَقْبَلِينَ	قَبِلْتَ

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

با توجه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست

درست

۱. قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

۲. كَتَبَ سَيِّبُوهُ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۳. كَتَبَ الْفَيْرُوزْآبَادِيُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

۴. الْإِيرَانِيُّونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيلًا.

التَّامِرِينَ الثَّانِي

● ترجمه كنيد.



ماذا تَفْعَلِينَ يا سَيِّدَةُ؟
أَفْرَأُ كِتَابَ الشَّعْرِ.

.....
.....



ماذا تَفْعَلُ يا وِلْدٌ؟
أَنْظُرُ إِلَى صُورَةٍ.

.....
.....



أَتَذْهَبِينَ مَعَ أُخْتِكَ؟
لا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.

.....
.....

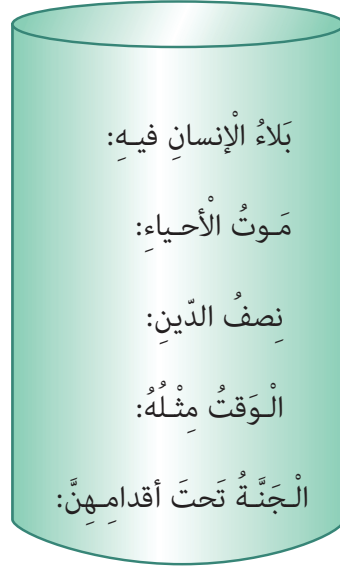


هَلْ تَصْنَعُ كُرْسِيًّا؟
لا؛ أَصْنَعُ مِئْزَدَةً.

.....
.....

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

هر کلمه را به توضیح مرتبط با آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است».



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید. سپس فعل ماضی و مضارع را مشخص کنید.

۱. ﴿وَوَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ الأَنْبِيَاءُ ۳۰

۲. أَنْتِ حَفِظْتِ سُورَةَ النَّصْرِ وَ الْآنَ تَحْفَظِينَ سُورَةَ الْقَدْرِ.

۳. أَنَا دَخَلْتُ الصَّفَّ الثَّانِيَّ وَ أَنْتِ تَدْخُلُ الصَّفَّ الْأَوَّلَ.

۴. أَنْتِ قَبِلْتِ كَلَامَ وَالِدِكَ وَ الْآنَ تَعْمَلُ بِهِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● كَازِينُهُ مَنَاسِبٌ رَا اِنْتِخَابَ كَنِيدِ.

١. أ أَنْتِ بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟ بَدَأْتُ تَبَدَّدْتِنِ

٢. أ أَنْتِ الْبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟ طَرَقْتُ تَطَرَّقْتُ





٣. أَنَا عَن طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي. بَحَثْنَا أَبْحَثُ

٤. يَا أُخْتِي، هَلْ التُّفَاحَةَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟ أَكَلْتُ تَأْكُلِينَ

٥. أ أَنْتِ فِي الْمَصْنَعِ أَمْسٍ؟ عَمِلْتُ تَعْمَلِينَ

التَّمَرِينُ السَّادِسُ

مانند مثال ترجمه کنید.

				 		←
نگاه می‌کنی	تَنْظُرِينَ	نگاه می‌کنی	تَنْظُرُ	نگاه می‌کنم	أَنْظُرُ	نَظَرَ: نگاه کرد
.....	تَسْأَلِينَ	تَسْأَلُ	أَسْأَلُ	سَأَلَ: پرسید
.....	تَسْمَعِينَ	تَسْمَعُ	أَسْمَعُ	سَمِعَ: اجازه داد
.....	تَذْكُرِينَ	تَذْكُرُ	أَذْكُرُ	ذَكَرَ: یاد کرد

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

إمرأة/ عالم/ لغة/ كلامك/ سته/ قدرت/ نصوص/ تعلم/ تفهم/ سهل/ صنعتما/ بسيط /
رفعت/ نجحوا/ أيضاً

رمز ↓

				۱		
			۲			
			۳			
				۴		
			۵			
			۶			
					۷	
					۸	
						۹
			۱۰			
			۱۱			
						۱۲
						۱۳
						۱۴
						۱۵

۱. جهان

۲. زبان

۳. یاد گرفتن

۴. موفق شدند «مذکر»

۵. بالا بردی

۶. ساده

۷. شش

۸. می فهمی «مذکر»

۹. متن ها

۱۰. توانستم

۱۱. همچنین

۱۲. آسان

۱۳. ساختید «مثنی»

۱۴. سخن تو

۱۵. زن

رمز: « حضرت علی علیه السلام

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

● (گفت‌وگو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

كَيْفَ حَالِكَ؟	١. كَيْفَ حَالِكَ؟
مَا اسْمُكَ؟	٢. مَا اسْمُكَ؟
مَنْ أَنْتِ؟	٣. مَنْ أَنْتِ؟
أَيْنَ أَنْتِ؟	٤. أَيْنَ أَنْتِ؟
هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرْجِ؟	٥. هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرْجِ؟

ساختار درس دوم و سوم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می نویسیم.	درس ۴ و ۵	من می نویسم.	أَنَا أَكْتُبُ.
شما می نویسید.	درس ۶ و ۷	تو می نویسی.	أَنْتَ تَكْتُبُ. أَنْتِ تَكْتُبِينَ.
آنها می نویسند.	درس ۸ و ۹	او می نویسد.	درس ۴ و ۵

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ. رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ. رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَنْ سَأَلَ، عَلِمَ. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چه وبگاه (سایت) یا وبلاگ مناسبی در زمینه آموزش زبان عربی می شناسید؟





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



أَنَا طَبَاخَةٌ. سَأَطْبُخُ طَعَامًا لَذِيذًا.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم

عُيُونٌ : غَايَةٌ : طَيِّبٌ : غَايَةُ الْعَقْلِ : نَهَايَةُ عَقْلِ فَحْصٌ : مَعَايِنُهُ كَرْدَنٌ : مَعَايِنُهُ كَرْدَنٌ قَاطِعٌ : بُرْنَدَةٌ : كُرَّةُ الْقَدَمِ : فُوتْبَالٌ «كُرَّةٌ: تَوْبٌ + قَدَمٌ: پا» مَرَضِيٌّ : بِيْمَارَانٌ «مَفْرَدٌ: مَرِيضٌ» مُسْتَقْبَلٌ : آيْنَدَةٌ مُمَرِّضٌ : پَرِسْتَارٌ مَوْظَفٌ : كَارْمَنْدٌ نَوَافِذٌ : پَنْجَرَهَا «مَفْرَدٌ: نَافِذَةٌ» مِهْنَةٌ : شِغْلٌ «جَمْعٌ: مِهَنٌ» مَهْنَدِسٌ زِرَاعِيٌّ : مِهْنَدِسٌ كِشَاوَرِزِيٌّ

رَسَائِلٌ : نَامَهَا «مَفْرَدٌ: رِسَالَةٌ» رِيَاضَةٌ : وِرْزِشٌ سَهٌ ، سَوَفٌ : نِشَانَةٌ آيْنَدَةٌ سَاصِيرٌ : خَوَاهِمٌ شَدَّ شَرَحٌ : شَرَحَ دَادَ شَرْطِيٌّ : پَلِيسٌ صَارَ : شَدَّ سَوَفٌ أَصِيرٌ : خَوَاهِمٌ شَدَّ طِبُّ الْعُيُونِ : چِشْمِ پَزِشْكِي طَبَّاحٌ : أَشِيزِ طَبَّخٌ : پَخْتِ طَبَّخٌ : پَخْتِنِ ، أَشِيزِي عَلَيْنَا بِاحْتِرَامٍ : بَايْدِ احْتِرَامِ بِكَذَارِيمِ عَنَ : دِرْبَارَةٌ ، اَزْ عَنَهَا : دِرْبَارَهَاشِ عَيْنٌ : چِشْمٌ ، چِشْمَه «جَمْعٌ»

آخِرٌ : دِيْگَرِ أَحَبُّ : دُوسْتِ دَاشْتِ أَحِبُّ : دُوسْتِ دَارِمِ تُحِبُّ : دُوسْتِ دَارِي أَصْحَابُ الْمِهْنِ : صَاحِبَانِ شِغْلَهَا أَمْنٌ : اِمْنِيَّتِ بَيْعٌ : فِرُوشِ بِلَادٌ : كِشُورِ ، شِهْرَهَا «مَفْرَدٌ: بَلَدٌ» تَقَدَّمَ : پِيشْرِفْتِ حَدَادٌ : آهَنْگَرِ حَلْوَانِيٌّ : شِيرِينِي فِرُوشِ خَامِسٌ ، خَامِسَةٌ : پَنْجَمِ السَّاعَةُ الْخَامِسَةُ : سَاعَتِ پَنْجِ حَبَّازٌ : نَانُوا حُبْزٌ : نَانِ رُزٌّ : بَرَنْجِ

مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ

دَخَلَ الْمُدْرِسُ الصَّفَّ وَقَالَ: «دَرْسُ الْيَوْمِ حَوْلَ مِهْنَةِ الْمُسْتَقْبَلِ. فَسَأَلَ أَيَّ مِهْنَةٍ تُحِبُّ؟»

صَادِقٌ: أَنَا أَحِبُّ الزَّرَاعَةَ. لِأَنَّهَا عَمَلٌ مِهْمٌ لِمَتَقَدُّمِ الْبِلَادِ. سَوَفَ أَصِيرُ مَهْنَدِسًا زِرَاعِيًّا.



نَاصِرٌ: أَنَا أَحِبُّ بَيْعَ الْكُتُبِ؛ لِأَنَّ الْكُتُبَ كُنُوزٌ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهَا: «الْكَتُبُ



بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ.»

قَاسِمٌ: سَأَصِيرُ مُخْتَرِعاً وَ سَوْفَ أَصْنَعُ جَوَالاً جَدِيداً.



مَنصُورٌ: أَنَا أَحِبُّ الرِّيَاضَةَ. أَنَا لَاعِبٌ مُمْتَازٌ فِي كُرَةِ الْقَدَمِ.



أَمِينٌ: أَنَا أَحِبُّ طِبَّ الْعَيُونِ. سَوْفَ أَصِيرُ طَبِيباً لِخِدْمَةِ النَّاسِ.



الطُّلَابُ ذَكَرُوا أَصْحَابَ الْمِهْنِ كَالْمُدْرَسِ وَالْحَبَّازِ وَالشُّرْطِيِّ وَالْحَلْوَانِيَّ وَالْبَائِعِ
وَالْمُمْرِضِ وَالْحَدَّادِ وَغَيْرِهِمْ.

الْمُدْرَسُ: ما هو هَدَفُكُمْ مِنْ انْتِخَابِ الشُّغْلِ؟

عارفٌ: خِدْمَةُ النَّاسِ. لِأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَّا بِحَاجَةٍ إِلَى الْآخَرِينَ.

الْمُدْرَسُ: أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ؟

حامدٌ: كُلُّ مِهْنَةٍ مُهِمَّةٌ وَالْبِلَادُ بِحَاجَةٍ إِلَى كُلِّ الْمِهْنِ.

الْمُدْرَسُ: عَلَيْنَا بِاحْتِرَامِ كُلِّ الْمِهْنِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ».



دانستیم که فعل مضارع نشانگر زمان حال و آینده است؛ اکنون بدانیم که با افزودن «س»

یا «سَوْفَ» بر سر آن فقط بر آینده دلالت می‌کند و در ترجمه آن از فعل «خواهد...»

استفاده می‌شود؛ مثال:



اُكْتُبْ: می نویسم سَاكْتُبْ، سَوْفَ اُكْتُبْ: خواهیم نوشت.

✍️ با توجّه به الگوی خوانده شده ترجمه کنید.

أنا سَأَعْمَلُ: أنتِ سَوْفَ تَفْحَصِينَ الْمَرِيضَةَ:

أنتِ سَوْفَ تَفْرَحُ:

الفِعْلُ الْمُضَارِعُ ◀ (أَفْعَلُ) ، (تَفْعَلُ ، تَفْعَلِينَ)



أنا مُدْرِسَةٌ الْكِيمِيَاءِ. أَشْرَحُ الدَّرْسَ لِلطَّالِبَاتِ.

أنا خَبَّازٌ. أَطْبُخُ الْخُبْزَ مِنَ السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ صَبَاحًا.



أنتِ طَبِيبَةٌ. تَفْحَصِينَ الْمَرَضَى بِدِقَّةٍ.

أنتِ شُرْطِيٌّ. تَحْفَظُ الْأَمْنَ فِي الْبِلَادِ.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

● با توجه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. ماذا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ حَوْلَ الْكُتُبِ؟
.....

۲. ما هُوَ الْهَدَفُ مِنْ اِتِّخَابِ الشُّغْلِ؟
.....

۳. حَوْلَ أَيِّ مَوْضِعٍ كَانَ دَرَسُ الْيَوْمِ؟
.....

۴. ماذا سَتَصِيرُ فِي الْمُسْتَقْبَلِ؟
.....

۵. أَيُّ شُغْلٍ مُهِمٌّ بِرَأْيِكَ؟
.....

التَّمْرينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنَا نَجَّارٌ. سَأَصْنَعُ كُرْسِيًّا خَشَبِيًّا.
.....



أَنَا طَبَّاحَةٌ. سَأَطْبِخُ طَعَامًا لَذِيذًا.
.....



أَنْتِ فَلَاحَةٌ مُجِدَّةٌ. تَحْصُدِينَ الرَّزَّ.



أَنْتِ طَبِيبٌ مُجِدٌّ. تَفْحَصُ الْمَرْضَى.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● جملة‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. أَنْتِ حَدَّادٌ. تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النَّوَافِذَ.

٢. أَنْتِ مَوْظَفَةٌ. تَكْتُبِينَ رَسَائِلَ إِدَارِيَّةً.

٣. أَنَا جُنْدِيٌّ. أَرْفَعُ عَلَمَ وَطَنِي إِيرَانَ.

٤. أَنَا مُمْرِّصَةٌ. أَخْدِمُ النَّاسَ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

زير هر تصوير نام آن را به عربی بنويسيد.

حَدَاد / نَجَار / مُمَرِّضَة / كَاتِب / حَلْوَانِي / خَبَّاز / شُرْطِي / حَيَّاطَةٌ / طَبِيبَة / طَبَّاحَة /
فَلَّاحَة / مُدَرِّسَة





التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

۱. فِي أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

۲. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

۳. أَمْ تَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟

۴. كَمْ كِتَابًا فِي حَقِيبَتِكَ (حَقِيبَتِكَ)؟

۵. أَيْنَ الْخَلِيجُ الْفَارِسِيُّ؟

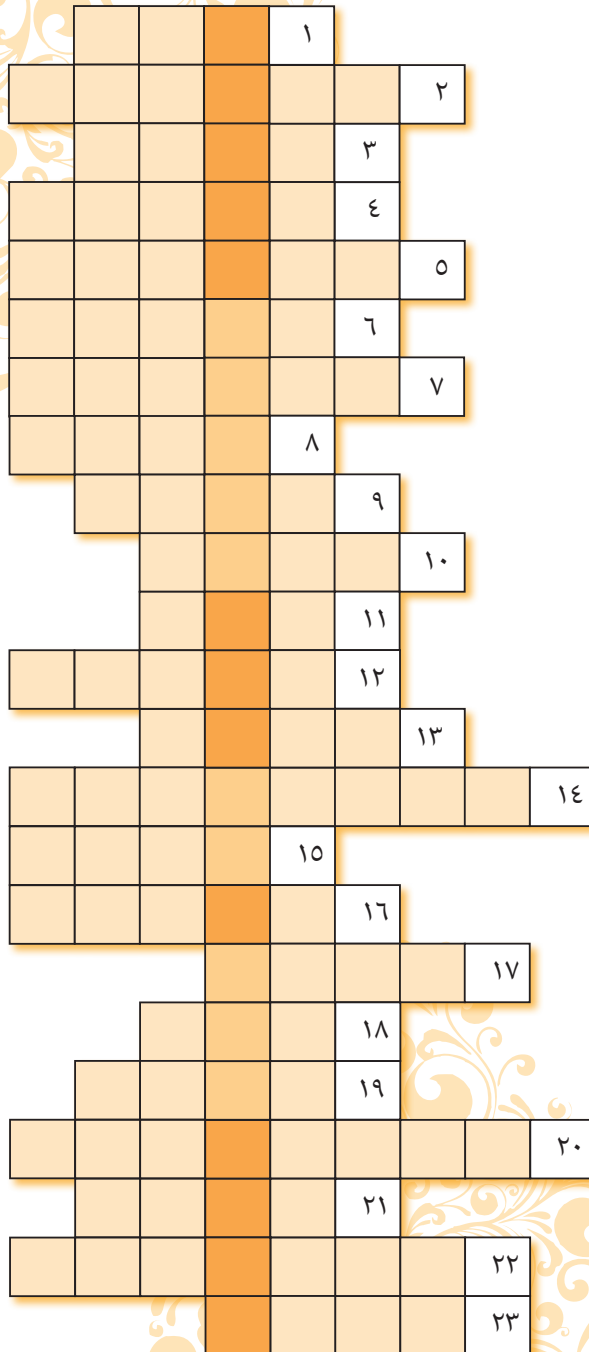
● با استفاده از کلمات زیر جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

حَلَوَانِي / مَمْرُضَات / رِيَاضَة / آخِر / عَالَمِيْنَ / مِهْنَة / بَيْع / دَوْرَان / حَدَاد / نِهَائِيَة / قَاطِع /
مَرَضِي / خَامِس / كُرَّة الْقَدَم / مَوْظَفَة / كُنُوز / شُرْطِي / عَمُود / طِبُّ الْعْيُون / وَحْدَكَ / يَالَيْتَنِي /
بِلَاد / سَوَف

۱. دیگر	۱۳. پنجم
۲. جهانیان	۱۴. فوتبال
۳. آهنگر	۱۵. گنج‌ها
۴. پایان	۱۶. خانم کارمند
۵. خانم‌های پرستار	۱۷. پلیس
۶. ورزش	۱۸. نشانه آینده
۷. شیرینی فروش	۱۹. ستون
۸. بیماران	۲۰. چشم پزشکی
۹. بُرنده	۲۱. کشور، شهرها
۱۰. شغل	۲۲. ای کاش من
۱۱. فروش	۲۳. تو به تنهایی
۱۲. چرخیدن	

رمز: «.....»

رمز ↓



ساختار درس دوم و سوم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما موفق می‌شویم.	درس ۴ و ۵	من موفق می‌شوم.	أَنَا أَنْجَحُ.
شما موفق می‌شوید.	درس ۶ و ۷	تو موفق می‌شوی.	أَنْتِ تَنْجَحُ. أَنْتِ تَنْجَحِينَ.
آنها موفق می‌شوند.	درس ۸ و ۹	او موفق می‌شود.	درس ۴ و ۵

كُنْزُ الْحِكْمَةِ مِنَ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَالِيهِ السَّلَامُ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ.

۲. الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ.

۳. الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ.

۴. تَمَرَّةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ.

۵. غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.

تحقیق کنید و نام چند شغل یا ورزش را به عربی با تصویر در قالب روزنامه دیواری بنویسید.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



كَانَ فَرَسٌ صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْمُعْجَم

مُخْتَبِرٌ: آزمایشگاه
نَفْسٌ: خود
لِنَفْسِهِ: برای خودش
فِي نَفْسِهِ: با خودش
نَفَعٌ | يَنْفَعُ: سود رساند | سود می‌رساند
تَنْفَعُ: سود می‌رساند
نَخْدِمُهُ: به او خدمت می‌کنیم
نَذْهَبُ: می‌رویم
نَقْرًا: می‌خوانیم
نَهْرٌ: رودخانه «جمع: أنهار»
يَبْحَثُ عَنِ الْحَلِّ: دنبال راه حل می‌گردد
يَحْمِلُ: برمی‌دارد
يَخَافُ: می‌ترسد
يَذْهَبُ: می‌رود
يَرْجِعُ: بر می‌گردد
يَرْفَعُ: بالا می‌برد
يَسْأَلُ: می‌پرسد
يَسْمَعُ: می‌شنود
يَشْرَحُ: شرح می‌دهد
يَعْبُرُ: عبور می‌کند
يَعْمَلُ: انجام می‌دهد، کار می‌کند
يَفْرَحُ: خوشحال می‌شود
يَفْهَمُ: می‌فهمد
يَقُولُ: می‌گوید

می‌کند
صَادِقٌ: راستگو
صَدَقٌ | يَصْدُقُ: راست گفت | راست می‌گوید
طَعَامٌ: خوراک «جمع: أطعمَة»
عَاشٌ | يَعِيشُ: زندگی کرد | زندگی می‌کند
نَعِيشٌ: زندگی می‌کنیم
عَرِقٌ | يَغْرُقُ: غرق شد | غرق می‌شود
تَغْرُقُ: غرق می‌شوی
عَضَبٌ: خشم
فَرَسٌ: اسب
فِصَّةٌ: نقره
فِعْلٌ: کار، انجام دادن
قَادِمٌ: آینده
قَصْدٌ: منظور
قَوْلٌ: گفتار
كَذَبٌ | يَكْذِبُ: دروغ گفت | دروغ می‌گوید
لَا خَيْرَ: هیچ خیری نیست
لِذَا: بنابراین

ابْنُ آدَمَ: آدمی زاد «ابن: پسر، فرزند»
إِنَّمَا: فقط
بِسَهْوَةٍ: به آسانی
جَدَلٌ: ستیز
حَمَلٌ: بُرَدَن، حمل کردن
أَطْلُبُ مِنْكَ حَمْلَ هَذِهِ الْحَقِيبَةِ: از تو می‌خواهم این خورجین (کیف) را ببری.
تَسْأَلُهُ: از او می‌پرسد
تَسْمَعُ: می‌شنود
تَصْدُقُ: راست می‌گوید
تَقُولُ: می‌گوید
تَنْصُرُ: یاری می‌کند
خَطَايَا: گناهان، خطاها «مفرد: خَطِيئَةٌ»
دَوَاءٌ: دارو
رُجُوعٌ: برگشتن
عَلَيْكَ بِالرُّجُوعِ: باید برگردی
رِيَاضِيٌّ: ورزشکار «رياضة: ورزش»
سِنَجَابٌ: سنجاب
شَاهِدٌ | يُشَاهِدُ: دید | می‌بیند
شَكَرٌ | يَشْكُرُ: تشکر کرد | تشکر

التَّجْرِبَةُ الْجَدِيدَةُ

كَانَ فَرَسٌ صَغِيرٌ مَعَ أُمِّهِ فِي قَرْيَةٍ. قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ لِوَلَدِهَا:

«نَحْنُ نَعِيشُ مَعَ الْإِنْسَانِ وَ نَخْدِمُهُ؛ لِذَا أَطْلُبُ مِنْكَ حَمْلَ هَذِهِ الْحَقِيبَةِ إِلَى الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ.»

هُوَ يَحْمِلُ الْحَقِيْبَةَ وَيَذْهَبُ إِلَى الْقَرْيَةِ الْمُجَاوِرَةِ.



فِي طَرِيقِهِ يُشَاهِدُ نَهْرًا . يَخَافُ الْفَرَسُ وَ يَسْأَلُ بَقْرَةً وَاقِفَةً جَنْبَ النَّهْرِ:

«هَلْ أَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ؟» الْبَقْرَةُ تَقُولُ : «نَعَمْ؛ لَيْسَ النَّهْرُ عَمِيقًا.»

يَسْمَعُ سِنَجَابٌ كَلَامَهُمَا وَ يَقُولُ: «لَا؛ أَيُّهَا الْفَرَسُ الصَّغِيرُ، أَنْتَ سَتَغْرَقُ فِي الْمَاءِ،

هَذَا النَّهْرُ عَمِيقٌ جِدًّا. عَلَيْكَ بِالرُّجُوعِ . أَتَفْهَمُ؟»



وَلَدَ الْفَرَسِ يَسْمَعُ كَلَامَ الْحَيَوَانِيْنَ وَ يَقُولُ فِي نَفْسِهِ:

«مَاذَا أَفْعَلُ يَا إِلَهِي؟!»

فَيَرْجِعُ إِلَى وَالِدَتِهِ وَ يَبْحَثُ عَنِ الْحَلِّ.

الْأُمُّ تَسْأَلُهُ: « لِمَاذَا رَجَعْتَ؟!»

يَسْرَحُ الْفَرَسُ الْقِصَّةَ وَ تَسْمَعُ الْأُمُّ كَلَامَهُ. الْأُمُّ تَسْأَلُ وَلَدَهَا:

«ما هو رأيك؟ أ تَقْدِرُ عَلَى الْعُبُورِ أَمْ لَا؟ مَنْ يَصْدُقُ؟ وَ مَنْ يَكْذِبُ؟»

ما أجاب الفرس الصغير عن سؤالها. لكنَّهُ قالَ بَعْدَ دَقِيقَتَيْنِ:

«الْبَقْرَةُ تَصْدُقُ وَ السَّنَجَابُ يَصْدُقُ أَيْضًا. الْبَقْرَةُ كَبِيرَةٌ وَ السَّنَجَابُ صَغِيرٌ. كُلُّ مِنْهُمَا

يَقُولُ رَأْيَهُ. فَهَمَّتُ الْمَوْضُوعَ.»

يَفْهَمُ الْفَرَسُ الصَّغِيرُ كَلَامَ أُمِّهِ وَ يَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ وَ يُشَاهِدُ الْبَقْرَةَ وَ السَّنَجَابَ

مَشْغُولَيْنِ بِالْجَدَلِ.

الْبَقْرَةُ: «أنا أصدقُ وَ أنتِ تَكْذِبُ.»

السَّنَجَابُ: «لا؛ أنا أصدقُ وَ أنتِ تَكْذِبِينَ.»

يَعْبُرُ الْفَرَسُ ذَلِكَ النَّهْرَ بِسُهُولَةٍ ثُمَّ يَرْجِعُ وَ يَفْرَحُ لِلتَّجْرِبَةِ الْجَدِيدَةِ.

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الفِعْلُ الْمُضَارِعُ (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ) ، (نَفَعُ)



تِلْكَ الْمَرْأَةُ تَنْفَعُ أُسْرَتَهَا.



هَذَا الْوَلَدُ الصَّغِيرُ يَلْعَبُ بِسَيَّارَتِهِ.




نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ.



نَحْنُ نَقْرَأُ الْقُرْآنَ.

بدانیم

به مقایسه فعل‌های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
او انجام می‌دهد.	هُوَ يَفْعَلُ. 	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ. 
	هِيَ تَفْعَلُ. 		هِيَ فَعَلَتْ. 
ما انجام می‌دهیم.	نَحْنُ نَفْعَلُ. 	ما انجام دادیم.	نَحْنُ فَعَلْنَا. 

يَ، تَ، نَ + فعل = يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، نَفْعَلُ

فَنِّ ترجمه

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلُ» در دو جمله زیر چیست؟



هَذِهِ الْبِنْتُ تَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ.
این دختر در آزمایشگاه کار می‌کند.



يَا نَجَّارُ، أَنْتَ تَعْمَلُ جَيِّدًا.
ای نجار، تو خوب کار می‌کنی.

✍ جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. أَنْتَ تَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَ الْوَالِدَاتُ تَجْلِسُ عَلَى الْكُرْسِيِّ.

۲. أُخْتِي تَقُولُ لِي: «يَا أَخِي، أ أَنْتَ تَقُولُ الْحَقَّ؟»

✍ التَّمارين ✍

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

● با توجه به متن درس، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|--------------------------|--------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۱. طَلَبَتْ أُمُّ الْفَرَسِ مِنْ وَلَدِهَا حَمَلًا حَقِيبَةً مَمْلُوءَةً بِالذَّهَبِ. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۲. قَالَتْ أُمُّ الْفَرَسِ: «الْبَقْرَةُ كَبِيرَةٌ وَ السُّنْجَابُ صَغِيرٌ.» |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۳. قَالَتْ الْبَقْرَةُ لِلْفَرَسِ: «أَنْتَ تَعْرَقُ فِي النَّهْرِ.» |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۴. السُّنْجَابُ وَ الْبَقْرَةُ صَادِقَانِ فِي كَلَامِهِمَا. |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ۵. عَبَّرَ الْفَرَسُ النَّهْرَ بِسُهُولَةٍ. |

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



هَذِهِ الْمَرَأَةُ تَغْسِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ.



هَذَا الرَّجُلُ يَغْسِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْجَبَلِ لِحِفْظِ نَظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ لقمان ۱۲

٢. وَالِدُنَا يَعْْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ وَوَالِدَتُنَا تَعْمَلُ فِي الْمَكْتَبَةِ.

٣. جَدِّي مَا طَلَبَ مِنَّا مُسَاعَدَةً وَجَدَّتِي تَطْلُبُ الْمُسَاعَدَةَ.

٤. أَأَنْتِ تَجْمَعُ الْأَشْجَابَ أَمْ أُخْتُكَ تَجْمَعُ؟

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه كنيد.

فارسی	عربی	فارسی	عربی
.....	مَا قَدَّرْتَ	توانستی	قَدَّرْتَ
.....	سَيَسْأَلُ	می پرسد	يَسْأَلُ
.....	سَوْفَ نَفْتَحُ	باز می کنیم	نَفْتَحُ
.....	تَطْرُقُ	کوبید	طَرَقْتُ
.....	سَأْفَهَمُ	فهمیدم	فَهِمْتُ
.....	نَشْرَبُ	نوشیدیم	شَرَبْنَا

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

۱. أ أنتِ إلى الْمُخْتَبَرِ وَحَدَكِ يا أُختي؟ يَذْهَبُ تَذْهَبِينَ
۲. هَلْ ذَلِكَ الْمُدْرَسِ يا أُخي؟ تَعْرِفُ تَعْرِفِينَ
۳. أَنَا سَوْفَ إلى بِلادي فِي الْأُسْبوعِ الْقَادِمِ. أَرْجِعُ رَجَعْتُ
۴. نَحْنُ إلى الْبُسْتَانِ قَبْلَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. ذَهَبْنَا سَنَذْهَبُ
۵. الْعَاقِلُ إلى الْيَمِينِ وَ الْيَسَارِ نَمَّ يَعْبُرُ الشَّارِعَ؟ نَنْظُرُ يَنْظُرُ

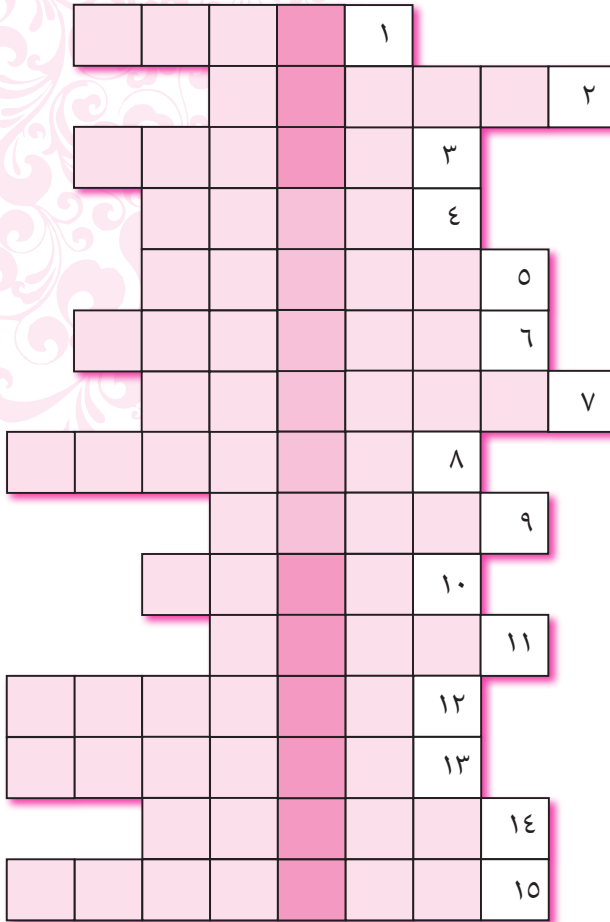
التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

رُجوع / خَطَايا / فَرَسَانِ / مَمْلوءٌ / حَبَّازٍ / قَادِمٍ / يَأْكُلُ / تَعْرِقُ / مَوْظَفُونَ / تَسْأَلِينَ /
مُنْظَمَاتٍ / رِياضِيُونَ / أَنهارٍ / بِسُهولةٍ / تَطْرُقِينَ

- | | |
|--------------------|-------------------|
| ۹. غرق می شوی | ۱. نانوا |
| ۱۰. می خورد | ۲. خطاها |
| ۱۱. برگشتن | ۳. دو اسب |
| ۱۲. به آسانی | ۴. آینده |
| ۱۳. می کوبی «مؤتث» | ۵. پُر |
| ۱۴. رودخانه‌ها | ۶. می‌پرسی «مؤتث» |
| ۱۵. ورزشکاران | ۷. سازمان‌ها |
| | ۸. کارمندان |

رمز ↓



رمز: « »

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

۱. أَيْنَ بَيْتِكَ؟	أَيْنَ بَيْتِكَ؟
۲. هَلْ أَنْتَ فِي الْمَكْتَبَةِ؟	هَلْ أَنْتَ فِي الْمَكْتَبَةِ؟
۳. مَاذَا فِي يَدِكَ؟	مَاذَا فِي يَدِكَ؟
۴. أَعْرِفُ مُدِيرَ الْمَدْرَسَةِ؟	أَعْرِفِينَ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ؟
۵. كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟	كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟

ساختار درس دوم تا چهارم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما برمی گردیم .	نَحْنُ نَرْجِعُ.	من برمی گردم .	أَنَا أَرْجِعُ.
شما برمی گردید.	درس ۶ و ۷	تو برمی گردی .	أَنْتِ تَرْجِعُ. أَنْتِ تَرْجِعِينَ .
آنها برمی گردند .	درس ۸ و ۹	او برمی گردد .	هُوَ يَرْجِعُ. هِيَ تَرْجِعُ.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ .

السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ .

أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ .

الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ . قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ .

عَضَبُ الْجَاهِلِ فِي قَوْلِهِ وَ عَضَبُ الْعَاقِلِ فِي فِعْلِهِ .

• حدیث اول تا سوم از پیامبر اسلام ﷺ و حدیث چهارم و پنجم از حضرت علی علیه السلام

تحقیق کنید و چند بیت شعر یا جمله حکیمانه به عربی درباره پیام درس بیابید.



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



- الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟

- كَيْفَ حَالِكِ؟

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم

أَبْصَارٌ : دیدگان «مفرد: بَصْرٌ»

أَتَى | يَأْتِي: آمد | می آید

تَأْتِينَ: می آیی

تَأْتِي: می آید، بیاید «مؤنث»

يَأْتِي: می آید، بیاید «مذکر»

إِخْدَى : یکی از

أَعْلَمُ : داناترین، داناتر

أَقْمَارُ : ماه‌ها «مفرد: قَمَرٌ»

أَنْفُسُهُمْ : به خودشان «مفرد:

نَفْسٌ»

بِالتَّأَكِيدِ : البتَّه

بَعْدَمَا : پس از اینکه

بَقِيَّ : ماند

بِكُلِّ سُرُورٍ : با کمال میل

ثَالِثٌ : سوم، سومین

جَارٌ : همسایه «جمع: جِيرَانٌ»

جَارَتَانِ : دو همسایه

جِئْتُمْ : آمدید ← جَاءَ: آمد

جِئْنَا : آمدیم

حَبِيبٌ : دوست

حَرَسَ | يَحْرُسُ : نگهداری کرد |

نگهداری می کند (نگهبانی داد |

نگهبانی می دهد)

خَزَائِنٌ : گنجینه‌ها «مفرد:

خِرَانَةٌ»

دَمَعٌ : اشک «جمع: دُمُوعٌ»

زَمِيلٌ : هم شاگردی «جمع:

زُمَلَاءٌ»

زَمِيْلَاتُهَا: هم شاگردی‌هایش

سَاخَةٌ : حیاط، میدان

ظَلَمَ | يَظْلِمُ : ستم کرد | ستم

می کند

عُصْفُورٌ : گنجشک «جمع:

عَصَافِيرٌ»

قَبْلَ شَهْرٍ : یک ماه پیش

لَيْسَ لَهُ : ندارد، برایش نیست

لَيْسَ : نیست + لِ، لَ : برای + هُ:

شَ

مَتَى : چه وقت

مَصَابِيحٌ : چراغ‌ها «مفرد:

مِصْبَاحٌ»

مَعًا : با هم

مُهَيَّمَةٌ إِدَارِيَّةٌ : مأموریت اداری

نَفْسٌ : همان، خود

فِي نَفْسِ الْمَكَانِ : در همان جا

الصَّدَاقَةُ

«أَسْرِين» طَالِبَةٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمَتَوَسِّطِ. هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنْدَج» إِلَى

«طهران». هِيَ طَالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ وَبَقِيَّتُ مُدَّةَ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةً.

فِي الْأُسْبُوعِ الثَّلَاثِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَتْ إِلَيْهَا إِحْدَى زَمِيلَاتِهَا بِاسْمِ «آيَلار» وَ

بَدَأَتْ بِالْحِوَارِ مَعَهَا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ.



الْحِوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ «آيَلار» وَ «أُسْرِين»

- كَيْفَ حَالِكِ؟
- الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟
- أَنَا بِخَيْرٍ. مَا اسْمُكِ؟
- اسْمِي أُسْرِين.
- اسْمٌ جَمِيلٌ. مَا مَعْنَاهُ؟
- «أُسْرِين» بِالْكَرْدِيَّةِ بِمَعْنَى الدَّمْعِ. وَ مَا اسْمُكِ؟
- اسْمِي آيَلار.
- مَا مَعْنَى اسْمِكِ؟
- آيَلار بِالْتُرْكِيَّةِ بِمَعْنَى الْأَقْمَارِ.
- اسْمٌ جَمِيلٌ جِدًّا وَ مَعْنَاهُ جَمِيلٌ أَيْضًا.
- مَنْ أَيُّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟
- أَنَا مِنْ سَنْدِجِ. أ أَنْتِ مِنْ طَهْرَانَ؟
- لَا؛ أَنَا مِنْ تَبْرِيزِ وَ سَاكِنَةٌ هُنَا.
- فَأَنْتِ مِثْلِي أَيْضًا.
- لِمَاذَا جِئْتُمْ إِلَى طَهْرَانَ؟
- لِأَنَّ وَالِدِي فِي مِهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ.
- كَمْ سَنَةً مِهْمَةٌ وَالِدِكِ؟
- سَنَتَيْنِ.

- أَيْنَ بَيْتِكُمْ؟ - فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ.
- عَجَبًا. بَيْتُنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ. - أَتَصَدِّقِينَ؟!
- نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟ - جِئْنَا قَبْلَ شَهْرٍ.
- فَحَنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ. - فَكَيْفَ مَا رَأَيْتُكِ حَتَّى الْآنَ؟
- عَجِيبٌ. مَا مِهْنَةُ أَبِيكَ؟ - هُوَ مُهَنْدِسُ الْكُمْبِيوتِرِ.
- هَلْ تَأْتِينَ إِلَى بَيْتِنَا؟ - بِكُلِّ سُورٍ.
- مَتَى؟ - بَعْدَمَا يَسْمَحُ لِي وَالِدِي وَ تَقْبَلُ وَالِدَتِي.
- وَ هَلْ يَأْتِي أَبُوكَ؟ وَ هَلْ تَأْتِي أُمُّكَ؟ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ. سَأَسْأَلُهُمَا.

الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ) ، (نَفْعَلُ)



هَذِهِ الزَّرَافَةُ تَشْرَبُ الْمَاءَ.



هَذَا الْعُصْفُورُ يَشْرَبُ الْمَاءَ.



نَحْنُ نَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ.



نَحْنُ نَلْعَبُ كُرَةَ الْقَدَمِ.

فَنَّ تَرْجَمَهُ



حرف «ما» دو کاربرد دارد:

«ما» برای منفی کردن فعل ماضی؛

مانند: ﴿مَا سَمِعْنَا﴾: نشنیدیم المؤمنون ۲۴

«ما» به معنای «چيست؟»؛

مانند: ﴿مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾ طه ۱۷

ای موسی، آن چیست در دست راستت؟

✍ اكونون اين جمله ها را ترجمه كنيد.

﴿مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ هود ۱۰۱

ما ذلِكَ الشَّيْءِ فِي يَدِكَ؟

✍ التمارين ✍

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

● با توجه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لماذا جاءت أُسْرَةُ أُسْرِينَ إِلَى طَهْرَانَ؟
 لِمْهَمَّةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُعَالَجَةِ بِنْتِهِمْ
۲. كَمْ أُسْبُوعًا بَقِيَتْ أُسْرِينَ وَحِيدَةً؟
 أُسْبُوعًا وَاحِدًا أُسْبُوعَيْنِ
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ أُسْرِينَ؟
 فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فِي الصَّفِّ الثَّانِي
۴. أَيْنَ بَيْتُ أُسْرِينَ وَ آيَلَارَ؟
 فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ خَلْفَ الْمَدْرَسَةِ
۵. هَلْ أُسْرِينَ مِنْ تَبْرِيزَ؟
 نَعَمْ؛ هِيَ تَبْرِيزِيَّةٌ لَا؛ هِيَ سِنْدَجِيَّةٌ

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ.



نَحْنُ نَصْعَدُ الْجَبَلَ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● کدام کلمه با دیگر کلمه‌ها از نظر معنا ناهم‌هنگ است؟

- | | | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|--|---------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۱. يَد | <input type="checkbox"/> عَيْن | <input type="checkbox"/> وَجْه | <input type="checkbox"/> ۱. جار |
| <input type="checkbox"/> ۲. سَمَكَة | <input type="checkbox"/> سَاحَة | <input type="checkbox"/> شَارِع | <input type="checkbox"/> ۲. طَرِيق |
| <input type="checkbox"/> ۳. أُسْبُوع | <input type="checkbox"/> حُبْز | <input type="checkbox"/> شَهْر | <input type="checkbox"/> ۳. سَنَة |
| <input type="checkbox"/> ۴. بَقْرَة | <input type="checkbox"/> فَرَس | <input type="checkbox"/> مِهْنَة | <input type="checkbox"/> ۴. غُرَاب |
| <input type="checkbox"/> ۵. نَجَار | <input type="checkbox"/> حَلْوَانِي | <input type="checkbox"/> سَائِق | <input type="checkbox"/> ۵. رِيَاضَة |
| <input type="checkbox"/> ۶. بَاب | <input type="checkbox"/> نَافِذَة | <input type="checkbox"/> رِسَالَة | <input type="checkbox"/> ۶. جِدَار |
| <input type="checkbox"/> ۷. تَفَاح | <input type="checkbox"/> اِبْتِسَام | <input type="checkbox"/> عِنَب | <input type="checkbox"/> ۷. رُمَان |
| <input type="checkbox"/> ۸. اَلْفِضَة | <input type="checkbox"/> اَلسَّبْت | <input type="checkbox"/> اَلثَّلَاثَاء | <input type="checkbox"/> ۸. اَلخَمِيس |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● كلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

مِهْنَةٌ شُغْلٌ أَتَى جَاءَ بَسَاتِينَ حَدَائِقِ قَادِمٍ مَاضِي بَيْعٍ
شِرَاءٍ يَصْدُقُ يَكْذِبُ شَاهِدَ رَأَى

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● ترجمه کنید:

۱. أَنَا ذَهَبْتُ أَمْسٍ وَ أَنْتَ تَذْهَبُ غَدًا.

۲. أَنْتِ رَجَعْتِ قَبْلَ سَاعَةٍ وَ نَحْنُ سَرَجَعُ بَعْدَ سَاعَةٍ.

۳. الْجَاهِلُ يَكْذِبُ وَ الْعَاقِلُ لَا يَكْذِبُ.

۴. وَالِدَتِي سَتَطْبُخُ طَعَامًا لَدَيْهَا وَ نَحْنُ سَوْفَ نَأْكُلُهُ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

۱. أَيْنَ مَدْرَسَتِكَ؟	أَيْنَ مَدْرَسَتِكَ؟
۲. مَا اسْمُ مَعْلَمِكَ؟	مَا اسْمُ مَعْلَمَتِكَ؟
۳. هَلْ أَنْتَ قَوِيٌّ؟	هَلْ أَنْتِ قَوِيَّةٌ؟
۴. كَمْ عُمْرُكَ يَا صَدِيقِي؟	كَمْ عُمْرُكَ يَا صَدِيقَتِي؟
۵. أَيْنَ تَلْعَبُ؟	أَيْنَ تَلْعَبِينَ؟

ساختار درس دوم تا پنجم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می‌شناسیم.	نَحْنُ نَعْرِفُ.	من می‌شناسم.	أَنَا أَعْرِفُ.
شما می‌شناسید.	درس ۵ و ۶	تو می‌شناسی.	أَنْتَ تَعْرِفُ. أَنْتِ تَعْرِفِينَ.
آنها می‌شناسند.	درس ۷ و ۸	او می‌شناسد.	هُوَ يَعْرِفُ. هِيَ تَعْرِفُ.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

أَعْلَمُ النَّاسِ ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ . الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نَوْرُ الْأَبْصَارِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

تحقیق کنید و دربارهٔ معنا و ریشهٔ نام خود بنویسید.



الدَّرْسُ السَّادِسُ



لِمَاذَا تَكْتُبَانِ دَرَسَكُمَا خَارِجَ الْعُرْفَةِ؟

الدَّرْسُ السَّادِسُ

المُعْجَم

«لِهَذِهِ الْأُسْرَةِ: این خانواده دارد.»
 لا: ن، حرف نفی مضارع
 «لا تَذْهَبْ: نمی‌رویم»
 ما يَكُ؟: تو را چه می‌شود؟
 مَرَّةً: بار، دفعه
 مَرَّتَيْنِ: دو بار
 مَرَضُ السُّكَّرِ: بیماری قند
 مَسَاءً: شب، بعد از ظهر
 مُسْتَوْصَفٌ: درمانگاه «جمع»
 مُسْتَوْصَفَاتٌ
 وَصْفَةٌ: نسخه

سَفْرَةٌ: سفر
 شَرَابٌ: شربت
 صُدَاعٌ: سردرد
 أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ: سرم درد می‌کند
 تَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ: سرش درد می‌کند
 صَغَطُ الدَّمِ: فشار خون
 طَائِرَةٌ: هواپیما
 عِنْدَكَ: داری
 (عِنْدَ: نزد + كِ = نزد تو،
 داری)
 قَافِلَةٌ: کاروان
 لِ: دارد، برای

أَحَدٌ: یکی از، کسی
 تَخْلُقُونَهُ: آن را می‌آفرینید
 أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ: چهل
 أَوْلَى: یکم، نخستین «مؤنثِ أَوْلٍ»
 ثاني، ثَانِيَّةً: دوم
 حَافِلَةٌ: اتوبوس
 حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ: قرص‌های
 مسکن «مفرد: حَبٌّ»
 زُؤَارٌ: زائران «مفرد: زَائِرٌ»
 سَافِرًا | يُسَافِرُ: سفر کرد | سفر
 می‌کند
 سَافَرُوا: سفر کردند

فِي السَّفَرِ

سَافَرَتْ أُسْرَةُ السَّيِّدِ فَتَاحِيٍّ مِنْ كِرْمَانَ إِلَى الْعِرَاقِ لِزِيَارَةِ الْمُدُنِ الْمُقَدَّسَةِ:
 النَّجَفِ الْأَشْرَفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ وَ سَامْرَاءَ فِي قَافِلَةِ الزُّؤَارِ. هُمْ سَافَرُوا فِي الْمَرَّةِ
 الْأُولَى بِالطَّائِرَةِ وَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَّةِ بِالْحَافِلَةِ. السَّيِّدُ فَتَاحِيٍّ مَوْطَفٌ وَ زَوْجَتُهُ
 مُمْرِضَةٌ. لِهَذِهِ الْأُسْرَةِ سِتَّةُ أَوْلَادٍ وَ بَنَاتٍ.

حوار بين الأسرة

السيد فتاحي: أين تذهبون يا أولادي؟

الأولاد: نذهب لزيارة مرقد الإمام الحسين عليه السلام.



السيد فتاحي: أين تذهبن يا بناتي؟ البنات: نذهب مع إخوتنا للزيارة.

أحد الأولاد: أين تذهبان يا أبي ويا أمي؟ الوالد: نذهب إلى المستوصف.

من المريض؟ - أمكم تشعر بالصداع.

حوار في المستوصف

الطبيب: ما اسم المريض؟ السيدة فتاحي: زوجتي السيدة فاطمة.

الطبيب: ما بك يا سيده فاطمة؟ السيدة فاطمة: أشعر بالصداع.

كم عمرك؟ - أربعون سنة.

أعندك ضغط الدم أو مرض السكر؟ - لا؛ أشعر بالصداع فقط.

أكتب لك وصفة. - ماذا تكتب في الوصفة؟







- الْحُبُوبَ الْمُسَكَّنَةَ وَ الشَّرَابَ. - كَيْفَ الْإِسْتِفَادَةُ مِنْهَا؟

- ثَلَاثَةُ حُبُوبٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ: صَبَاحًا وَ ظَهْرًا وَ مَسَاءً

وَ الشَّرَابَ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.



به مقایسه فعل‌های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
	أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ 		أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ 
	أَنْتِ تَفْعَلِينَ 		أَنْتِ فَعَلْتِ 
شما انجام می‌دهید.	أَنْتُمْ تَفْعَلَانِ 	شما انجام دادید.	أَنْتُمْ فَعَلْتُمَا 

چرا ترجمه سه فعل عربی در فارسی فقط یک فعل است؟

الفِعْلُ الْمُضَارِعُ (تَفَعَّلُونَ، تَفَعَّلَنْ، تَفَعَّلَانِ)



ماذا تَأْكُلْنَ يا نِسَاءُ؟
نَأْكُلُ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.



ماذا تَأْكُلُونَ يا رِجَالُ؟
نَأْكُلُ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.



هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا الْمُجَاهِدَ؟
نَعَمْ؛ نَعْرِفُهُ. هُوَ الشَّهِيدُ مُوسَى.*



ماذا تَفَعَّلَانِ أَيُّهَا الْوَلَدَانِ؟
نَلْعَبُ مَعًا.



ماذا تَفَعَّلَانِ أَيُّهُمَا الْبِنْتَانِ؟
نَرْجِعُ إِلَى بَيْتِنَا مَعًا.



أَيْنَ تَقْرَأْنَ الْكِتَابَ؟
نَقْرَأُ فِي الْمَكْتَبَةِ.

فَنَ تَرْجَمَهُ

۱. در پاسخ به کلمهٔ پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای اینکه» یا «لِ: برای» شروع کنیم؛ مثال:



لِمَاذَا تَكْتُبَانِ دَرَسَكُمَا خَارِجَ الْعُرْفَةِ؟
لِأَنَّ الْجَوَّ لَطِيفٌ جِدًّا.

لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَى الْبَعِيدِ؟
لِأَنِّي أَبْحَثُ عَنْ هُدًى.

۲. حرف «لا» فعل مضارع را منفی می‌کند؛ مثال:

أَنَا لَا أَكْذِبُ مِنْ دُرُوعٍ نَمِيَّ گویم.

کله اکتون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

..... أَنْتَ لَا تَظْلِمُ النَّاسَ.

..... لِمَاذَا لَا تَكْتُبِينَ وَاجِبَاتِكَ؟

اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.



لِمَاذَا ذَهَبْتِ إِلَى السُّوقِ؟
ذَهَبْتُ لِشِرَاءِ خَاتَمٍ ذَهَبِيٍّ.



لِمَاذَا أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ؟
لِأَنَّنا نَاجِحُونَ فِي الْمُسَابَقَةِ.

الْتَّمَارِينُ

الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ

● با توجه به متن درس، جمله درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

۱. ما كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلسَّيِّدَةِ فَاطِمَةَ حُبُوبًا فِي الوَصْفَةِ.

۲. سافَرْتُ أُسْرَةَ السَّيِّدِ فَتَاحِي إِلَى العِرَاقِ.

۳. السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ فِي سِنِّ السَّبْعِينَ.

۴. هَذِهِ الأُسْرَةُ مِنْ إِيْرانِشَهْرِ.

۵. السَّيِّدُ فَتَاحِي حَدَادٌ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جملة‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



ماذا تَلْعَبْنَ؟
نَلْعَبُ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ.

.....
.....



أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟
نَذْهَبُ فَوْقَ الْجَبَلِ.

.....
.....



إِلَى أَيْنَ سَتَذْهَبَانِ يَا وَدَّانِ؟
سَنَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ بَعْدَ دَقَائِقَ.

.....
.....



ماذا سَتَفْعَلَانِ يَا سَيِّدَتَانِ؟
سَنَعْمَلُ فِي الْبَيْتِ.

.....
.....

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ الواقعة ٦٨

۲. ﴿أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ الواقعة ٥٩

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ النحل ٩٠

۴. أَيُّهَا الْفَلَاحُونَ، أَلَا تَجْمَعُونَ الْفَوَاكِهَ لِلْبَيْعِ؟

۵. يَا زَمِيلَاتِي، إِلَى أَيْنَ تَذْهَبْنَ بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ؟

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● ترجمه کنید.

.....	لا تَخْدِمُونَ	خدمت می‌کنید	تَخْدِمُونَ	لا تَكْذِبَانِ	دروغ می‌گویید	تَكْذِبَانِ
.....	تَرْحَمَانِ	رحم کردید	رَحِمْتُمَا	لا أَنْدَمُ	پشیمان نشدم	مَا نَدِمْتُ
.....	سَوْفَ نَعْمَلُ	کار کردیم	عَمَلْنَا	لا تَحْزَنُ	غمگین نشدی	مَا حَزِنْتَ
.....	تَفْرَحِينَ	شاد شدی	فَرِحْتِ	مَا شَرَحْتُنَّ	شرح دادید	شَرَحْتُنَّ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

۱. ماذا تَفَعَّلَ؟ عَنِ مِفْتَاحِ الْغُرْفَةِ. أَبَحَثُ نَبَحَثُ
۲. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ إِلَى مُنْظَمَةِ الْعَمَلِ. أَذْهَبُ نَذْهَبُ
۳. أَ تَفْهَمَنَّ الدَّرْسَ؟ - نَعَمْ؛ الدَّرْسُ سَهْلٌ. تَفْهَمَنَّ نَفْهَمُ
۴. أَ أَنْتُمْ مَلَابِسِكُمْ أَمْسٍ؟ غَسَلْتُمْ تَغْسِلِينَ
۵. أَيُّهَا الْبُنْتَانِ، هَلْ الطَّعَامُ؟ تَطْبُخْنَ تَطْبُخَانِ

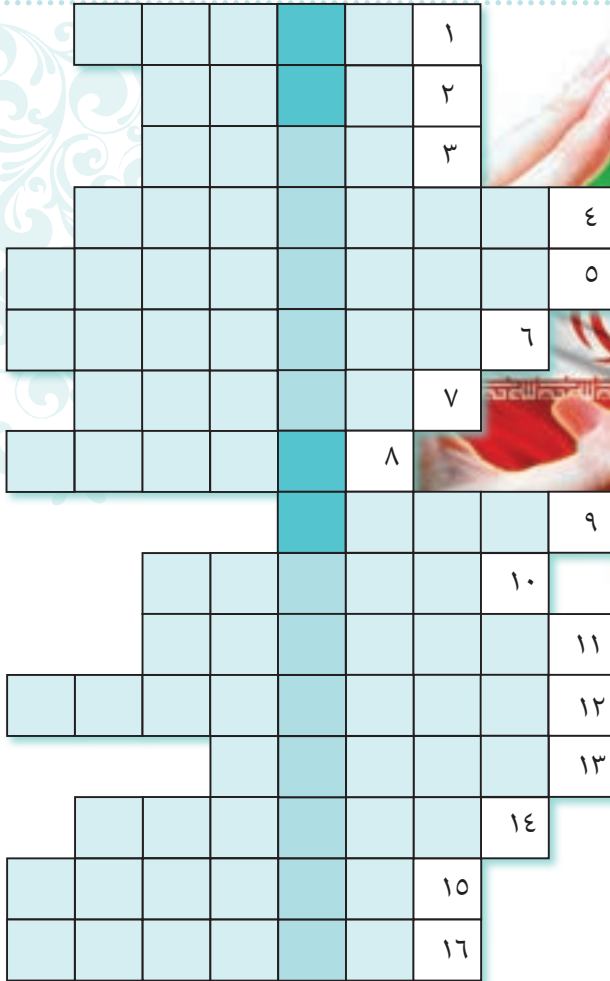
التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

حُبُوبَ / عِنْدَكُمْ / مَا بِكُمْ / ضَغْطُ الدَّمِ / مُسْتَوْصَفَاتِ / حَافِلَتَانِ / أَحَدُكُمْ / ثَانِي /
مُبِينِ / تَجْعَلُونَ / مَرَضُ السُّكَّرِ / خَاتَمِ / مَرَّتَيْنِ / تَنْفَعُونَ / طَائِرَاتِ / تَأْمُرُونَ

- | | |
|-------------------|----------------------|
| ۹. آشکار | ۱. یکی از شما |
| ۱۰. انگشتر | ۲. قرص‌ها |
| ۱۱. قرار می‌دهید | ۳. دوم |
| ۱۲. بیماری قند | ۴. دو اتوبوس |
| ۱۳. دو بار | ۵. درمانگاه‌ها |
| ۱۴. فرمان می‌دهید | ۶. فشار خون |
| ۱۵. هواپیماها | ۷. دارید |
| ۱۶. سود می‌رسانید | ۸. شما را چه می‌شود؟ |

رمز ↓



رمز: « »

رسول الله ﷺ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

۱. كَمْ مَرَّةً سَافَرْتَ (سَافَرْتَ) إِلَى كَرْبَلَاءَ؟
۲. لِمَاذَا تَذْهَبُ (تَذْهَبِينَ) إِلَى مَكَّةَ؟
۳. هَلْ تَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟
۴. كَمْ عَدَدُ أَفْرَادِ أُسْرَتِكَ (أُسْرَتِكَ)؟
۵. مَاذَا فِي حَقِيَّتِكَ (حَقِيَّتِكَ)؟

ساختار درس دوم تا ششم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما شاد می شویم.	نَحْنُ نَفْرَحُ.	من شاد می شوم.	أَنَا أَفْرَحُ.
شما شاد می شوید.	أَنْتُمْ تَفْرَحُونَ. أَنْتُنَّ تَفْرَحْنَ. أَنْتُمْ تَفْرَحَانِ.	تو شاد می شوی.	أَنْتَ تَفْرَحُ. أَنْتِ تَفْرَحِينَ.
آنها شاد می شوند.	درس ۸ و ۹	او شاد می شود.	هُوَ يَفْرَحُ. هِيَ تَفْرَحُ.

نور السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿... لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾ الأنعام ۵۰

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ التور ۳۵

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة ۲۱۶



الدَّرْسُ السَّابِعُ



كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِّنَ الْغِزْلَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَ الْأَنْهَارِ.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم

فَرَخٌ: جوجه «جمع: فِرَاخ»
 كُرَّةُ الْمِنْصَدَةِ: تنيس روی میز
 كَمَا: همان طور که
 كُنْتُ: بودم ← كَانْ: بود
 مَجْنُونٌ، مَجْنُونَةٌ: دیوانه
 نَصْرٌ: یاری
 وَاسِعٌ، وَاسِعَةٌ: پهناور
 هَجَمَ | يَهْجُمُ: حمله کرد | حمله
 می کند
 يَسِسُ: ناامید شد

طَائِرٌ: پرنده
 عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ: باید فکر کنم
 (علی + ی =)
 عَلَيَّ: بر من لازم است + بِ + التَّفَكُّرِ
 غَابَةٌ: جنگل
 غِرْزَانٌ: آهوها «مفرد: غَزَال»
 فَرَحٌ: شادی
 قَالَ: گفت
 تَقُولِينَ: می گویی
 قُلْتُ: گفتم

آباء: پدران «مفرد: أب»
 إِضَاعَةٌ: تلف کردن
 أَلَا: هان
 جِبَالٌ: کوهها «مفرد: جَبَل»
 جَلَبَ | يَجْلِبُ: آورد | می آورد
 حَطَبٌ: هیزم
 حَمَامَةٌ: کبوتر
 حَوَائِجٌ: نیازها «مفرد: حَاجَةٌ»
 ذُنَابٌ: گرگها «مفرد: ذَنْبٌ»
 رَابِعٌ، رَابِعَةٌ: چهارم
 صَحِكَ | يَصْحَكُ: خندید | می خندد

﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ...﴾ النساء ۹۷

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغِرْزَانِ فِي غَابَةِ بَيْنَ الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ حَمْسَةٌ ذِنَابٍ عَلَى الْغِزْلَانِ.



الْغَزَالُ الْأَوَّلُ: إلهي، ماذا نَفَعَلُ؟

الْغَزَالُ الثَّانِي: لَا نَقْدِرُ عَلَى الدَّفَاعِ.

قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا: «مَا هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ. سَأَنْجَحُ».



الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عُصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ: «هَلْ خَلَفَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرُ؟»

أَجَابَ الْعُصْفُورُ: «لَا».

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا يَسْتُ فَشَاهَدَتْ حَمَامَةً وَ سَأَلَتْهَا: «يَا أُمَّ الْفَرْخَيْنِ، هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟ سَمِعَتْ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ.



الْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هُدُودًا وَ سَأَلَتْهُ: «هَلْ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»
أَجَابَ الْهُدُودُ: «نَعَمْ».

فَصَعِدَتْ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ
غَابَةً **وَاسِعَةً**؛ ثُمَّ رَجَعَتْ وَ قَالَتْ لِأَبَاءِ الْغِزْلَانِ: «أَتَعْرِفُونَ أَنَّ
خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

وَ قَالَتْ لِأُمَّهَاتِ الْغِزْلَانِ: «أَتَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»
فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بِغَضَبٍ: كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟!

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي: كَأَنَّكَ **مَجْنُونَةٌ**!

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّلَاثُ: هِيَ تَكْذِبُ.

وَ قَالَتِ الْغَزَالَةُ الرَّابِعَةَ: أَنْتِ تَكْذِيبِينَ.

قَطَعَ رَئِيسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ:

«هِيَ صَادِقَةٌ لَا تَكْذِبُ؛ عِنْدَمَا كُنْتُ صَغِيرًا؛ قَالَ لِي طَائِرٌ عَاقِلٌ: خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ

آخَرَ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِرَئِيسِنَا لِكِنَّهُ مَا قَبِلَ كَلَامِي وَ صَحِيحٌ.

كَمَا تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صِلَاحَكُمْ دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ.»

صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلَ وَ وَجَدُوا عَالَمًا جَدِيدًا وَ فَرِحُوا كَثِيرًا.



الفِعْلُ الْمُضَارِعُ (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)



ماذا تَفْعَلْنَ أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ؟
نَصْنَعُ بَيْتًا.



أَيْنَ تَذْهَبُونَ أَيُّهَا الرُّجَالُ؟
نَذْهَبُ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.



إِلَى أَيْنَ تَذْهَبَانِ أَيُّهُمَا الْمَرْأَتَانِ؟
نَذْهَبُ إِلَى عَيْنِ الْمَاءِ.



مَتَى تَلْعَبَانِ كُرَةَ الْمِنْصَدَةِ أَيُّهَا الرَّمِيلَانِ؟
نَلْعَبُ بَعْدَ دَقِيقَةٍ.



در پاسخ به کلمه پرسشی «مَتَى: چه وقت» کلماتی می آیند که بر زمان دلالت دارند؛

الْيَوْمَ / أَمْسٍ / غَدَ / صَبَاحَ / عَصْرَ / مَسَاءَ / لَيْلَ / قَبْلَ سَنَتَيْنِ / بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ /

فِي الشَّهْرِ الْمَاضِيِ / فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ

مثال: مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ قَبْلَ يَوْمَيْنِ.

📖 ترجمه کنید.

﴿مَتَى نَصْرُ اللَّهِ؟ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ البقرة ۲۱۴

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

۱. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتَبِينَ) وَاجِبَاتِكَ (وَاجِبَاتِكِ)؟
۲. مَتَى وَصَلْتَ (وَصَلْتِ) إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟
۳. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِينَ) مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟
۴. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى هُنَا؟
۵. مَتَى تَبْدَأُ الْإِمْتِحَانَاتُ؟

📄 فَنِّ تَرْجَمَهُ 📄

در جمله زیر تصویر، فعل مفرد به کار رفته در حالی که انجام دهنده آن اسم مثنی یا جمع است؛ در چنین جمله‌هایی فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود؛ مثال:

تَعْمَلُ هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ فِي الْمَزْرَعَةِ. این خانم‌های کشاورز در کشتزار کار می‌کنند.



جمله‌های زیر را با توجه به قاعده ذکر شده ترجمه کنید.

۱. **تَطْبُخُ** النَّسَاءِ طَعَامَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

۲. **يَخْرُجُ** الْأَعْبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ.

۳. **رَجَعَتْ** أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

با توجه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید.

نادرست درست

۱. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ.

۲. قَبِلَ رَئِيسُ الْغِزْلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ.

۳. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ: «عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ».

۴. الْغَزَالَةُ الْهُدْهُدُ سَأَلَتْ أَوَّلَ مَرَّةٍ.

۵. كَانَ عَدَدُ الدَّنَابِ خَمْسَةً.

التَّمْرينُ الثَّانِي

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ المؤمنون ۱۹

٢. ﴿قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا﴾ الأنبياء ٥٩

٣. ﴿وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الكهف ٤٩

٤. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ الزخرف ٣

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أَخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.

٢. زَمَيْلِكَ لَيْسَ مَلَائِسَ حَرِيفِيَّةً فَلِمَاذَا أَنْتَ لَا تَلْبَسُ؟

٣. أَنْتِ سَعَرْتِ بِالْحُزْنِ أَمْسِ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ.

٤. أَنَا أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید.

.....	لا تَنْصُرُ	یاری می کنی	تَنْصُرُ	أَضْحَكُ	خندیدم	ضَحِكْتُ
.....	يَقْرُبُ	نزدیک شد	قَرَبَ	تَقْذِفِينَ	انداختی	قَذَفْتِ
.....	نَمَلِكُ	فرمانروایی کردیم	مَلَكْنَا	لا تَقْطَعُ	می بُرد	تَقَطَّعُ
.....	سَتَغْسِلُنَّ	شستید	غَسَلْتُنَّ	لَيْسْتُمْ	می پوشید	تَلْبَسُونَ
.....	سَوْفَ يَفْهَمُ	می فهمد	يَفْهَمُ	لَا تَقْبَلَانِ	می پذیرید	تَقْبَلَانِ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

در خانه های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

أنهار / صداقة / عداوة / جعلوا / يقذفن / رياضي / يكذبن / حمامة / غالية / طابئة /
 حوائج / ملكوا / أقمار / أعلام / فنادق / عصفور / نظافة / منضدة / تقاعد / والدة / سألتهم
 / سمكات / شهرين

				دوستی	۱
				می اندازند	۲
				کبوتر	۳
				ماه‌ها	۴
				گران	۵
				فرمانروا شدند	۶
				ورزشکار	۷
				دانش آموز	۸
				دشمنی	۹
				دو ماه	۱۰
				نیازها	۱۱
				دروغ می‌گویند	۱۲
				قرار دادند	۱۳
				رودها	۱۴
				پرسیدید	۱۵
				ماه‌ها	۱۶
				بازنشستگی	۱۷
				مادر	۱۸
				پاکیزگی	۱۹
				گنجشک	۲۰
				هتل‌ها	۲۱
				میز	۲۲
				پرچم‌ها	۲۳

رمز: « » . الإمام عليّ عليه السلام

ساختار درس دوم تا هفتم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می‌رویم.	نَحْنُ نَذْهَبُ.	من می‌روم.	أَنَا أَذْهَبُ.
شما می‌روید.	أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ. أَنْتَنَ تَذْهَبِينَ. أَنْتُمَا تَذْهَبَانِ.	تو می‌روی.	أَنْتِ تَذْهَبِينَ. أَنْتِ تَذْهَبِينَ.
آنها می‌روند.	درس ۸ و ۹	او می‌رود.	هُوَ يَذْهَبُ. هِيَ تَذْهَبُ.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رسول الله ﷺ

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. رسول الله ﷺ

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رسول الله ﷺ

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. الإمام عليّ عليه السلام

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. الإمام عليّ عليه السلام



الدَّرْسُ الثَّامِنُ



تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشِّهَا فِي مَزْرَعَةٍ كَبِيرَةٍ.

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

الْمُعْجَم

يَعْتَمِدُ : اعتماد می کند

يَجْلِسُونَ، يَجْلِسْنَ، يَجْلِسَانِ :

می نشینند

يَجْلِبُونَ، يَجْلِبْنَ، يَجْلِبَانِ :

می آورند

يَحْضُونَ، يَحْضُنَّ، يَحْضُدَانِ :

درو می کنند

يَذْهَبُونَ، يَذْهَبْنَ، يَذْهَبَانِ :

می روند

يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، يَفْعَلَانِ :

انجام می دهند

رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ: آنها را دیدم

برابرم سجده کنان دیدم

شَمْسُ : خورشید

ضِيَافَةٌ : مهمانی

عِرَّةٌ : ارجمندی

عُشٌّ : لانه

عِنْدَمَا : وقتی که

قَمَحٌ : گندم

كَوْكَبٌ : ستاره

مَائِدَةٌ : سفره غذا

نَهَارٌ : روز (روز هنگام)

يَجْمَعُونَ : جمع می کنند

أَقْرِبَاءٌ : خویشاوندان «مفرد»:

«قريب»

تَسَأَلُ فِرَاحَهَا : از جوجه هایش

می پرسد

تَذْهَبَانِ : می روند ← ذَهَبَ

تَكْتُبَانِ : می نویسند ← كَتَبَ

حَدَّثَ | يَحْدُثُ : اتفاق افتاد|

اتفاق می افتد

حَاضِرٌ | يَحْضُرُ: حاضر شد| حاضر

می شود

خَوْفٌ : ترس، ترسیدن

سَاجِدٌ : سَجَدَ کننده

الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ

تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عُشِّهَا فِي مَزْرَعَةٍ كَبِيرَةٍ وَ تَقُولُ لِفِرَاحِهَا:



«يا فِراخي، عَلَيْكُنْ بِمُرَاقَبَةِ حَرَكَاتِ صَاحِبِ الْمَرْزَعَةِ. ماذا يَقُولُ وَ يَفْعَلُ؟»

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ مَعَ جَارِهِ يَذْهَبَانِ إِلَى شَجَرَتَيْنِ وَ يَجْلِسَانِ بَيْنَهُمَا.

الْفَرْخُ الثَّانِي: زَوْجُهُ صَاحِبِ الْمَرْزَعَةِ وَ جَارَتُهَا تَذْهَبَانِ إِلَى نَفْسِ الشَّجَرَتَيْنِ.

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: الْجِيرَانُ يَجْلِسُونَ عَلَى الْيَمِينِ.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الْجَارَاتُ يَجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.

الْفَرْخُ الثَّانِي: مَا الْخَبْرُ؟ ماذا يَفْعَلُونَ؟ أ هَذِهِ ضِيَافَةٌ؟

الْفَرْخُ الثَّلَاثُ: النَّسَاءُ يَجْلِبْنَ الطَّعَامَ وَ الْخُبْزَ وَ يَجْلِسْنَ جُنْبَ الْمَائِدَةِ.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الرَّجَالُ يَجْمَعُونَ الْحَطَبَ وَ يَجْلِبُونَ الْمَاءَ وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَلْعَبُونَ.



تَرْجِعُ الْأُمُّ وَ تَسْأَلُ فِراخَهَا: «ماذا حَدَّثَتْ؟»

الْفَرْخُ الثَّانِي: صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جِيرَانِهِ لِجَمْعِ الْقَمْحِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.

أُمُّ الْفِراخِ: لا؛ نَحْنُ فِي أَمَانٍ فِي عَشْنًا.

فِي الْيَوْمِ الثَّانِي تَخْرُجُ الْعُصْفُورَةُ مِنَ الْعُشِّ وَ تَقُولُ لِفِراخِهَا:

«عَلَيْكَنَّ بِالْمُرَاقَبَةِ؛ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ».

بَعْدَ رُجُوعِ الْأُمِّ قَالَ الْفَرُخُ الثَّلَاثُ:

«صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرِبَائِهِ لِجَمْعِ الْمَحْصُولِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ».

أُمُّ الْفِرَاحِ: نَحْنُ فِي أَمَانٍ.

فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ:

الْفِرَاحُ: سَمِعْنَا أَنَّ صَاحِبَ الْمَرْزَعَةِ يَقُولُ سَابِئاً بِجَمْعِ الْقَمْحِ بِتَنْفُسِي غَدًا.

خَافَتْ أُمُّ الْفِرَاحِ وَ قَالَتْ: «الآنَ عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ».



الْفِرَاحُ يَسْأَلُنَ أُمَّهَنْ: «لِمَاذَا عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ؟! هُوَ وَحِيدٌ وَ بِلَا صَدِيقٍ».

الْأُمُّ: عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ؛ لَا يَفْعَلُ شَيْئاً مُهِمًّا؛

وَ عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ؛ يَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ».

فعل مضارع (٤)

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ)



ماذا يَرْفَعْنَ؟
هُنَّ يَرْفَعْنَ جَوَائِزَهُنَّ.



ماذا يَفْعَلُونَ؟
هُمْ يَحْصُدُونَ الْقَمْحَ.



أَهُمَا تَكْتُبَانِ فِي الدَّفْتَرِ؟
لا؛ هُمَا تَنْظُرَانِ إِلَى صَوْرَتَيْنِ.



إِلَى أَيْنَ يَذْهَبَانِ؟
هُمَا يَذْهَبَانِ إِلَى بَيْتِهِمَا.

به فعل‌های زیر توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
آنها انجام می‌دهند.	هُم يَفْعَلُونَ	آنها انجام دادند.	هُم فَعَلُوا
			
	هُنَّ يَفْعَلْنَ		هُنَّ فَعَلْنَ
			
	هُمَا يَفْعَلَانِ		هُمَا فَعَلَا
			
	هُمَا تَفْعَلَانِ		هُمَا فَعَلَتَا
			

چرا ترجمهٔ چهار فعل عربی در فارسی یک فعل است؟

فَنِّ ترجمه

به دو جملهٔ زیر دقت کنید.

(الف) أَنْتُمْ تَعْمَلَانِ جَيِّدًا. شما به خوبی کار می‌کنید.

(ب) هُمَا تَعْمَلَانِ جَيِّدًا. آنها به خوبی کار می‌کنند.

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلَانِ» چیست؟

کجا با توجه به قاعده ای که خواندید؛ این جمله ها را ترجمه کنید.

۱. هاتانِ الْبِنْتانِ تَكْتَبانِ واجِبُهُما؛ أ أَنْتُما تَكْتَبانِ أيضاً؟

۲. هُما جارتانِ نَظيفَتانِ تَغسِلانِ ساحةَ الْبَيْتِ. أ أَنْتُما تَعْرِفانِهُما؟

التَّمارين

التَّمْرينِ الْأَوَّل

● با توجه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لِمَذا طَلَبَ صاحِبُ المَزْرَعَةِ المُساعدَةَ؟

لِجَمعِ مَحصولِ القَمَحِ لِلضَّيافةِ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

۲. مَتى يَقْدِرُ الْإِنسانُ عَلى كُلِّ شَيءٍ؟

لَمّا يَعتَمِدُ عَلى الأَخْرينِ. عَندما يَعتَمِدُ عَلى نَفْسِهِ.

۳. في أَيِّ يَومٍ خافَتُ أُمُّ الفِراخِ مِنَ صاحِبِ المَزْرَعَةِ؟ عَندما...

بَدأً بِجَمعِ المَحصولِ بِنَفْسِهِ. طَلَبَ المُساعدَةَ مِنْ أَقربائِهِ.

۴. كَمَ عَدَدُ الفِراخِ؟

ثَلاتَةٌ سِتَّةٌ

۵. هَلْ كانَتِ المَزْرَعَةُ صَغيرَةً؟

نَعَم؛ كانَتِ صَغيرَةً. لا؛ كانَتِ كَبيَرَةً.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. ﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ يونس ٥٥

٢. أَوْلَيْتِكَ الْجَارَاتُ يَرْجِعْنَ مِنَ الصِّيَافَةِ.

٣. هَاتَانِ الطُّفْلَتَانِ تَلْعَبَانِ بَيْنَ الْأَشْجَارِ.

٤. هَذَانِ الْفَلَّاحَانِ يَزْرَعَانِ الرَّزَّ فِي الرَّبِيعِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



هُؤُلَاءِ الْمُجَاهِدَاتُ يَخْدِمْنَ لِنَصْرِ وَطَنِهِنَّ.



أَوْلَيْتِكَ الْمُجَاهِدُونَ يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ.



ماذا يَجْمَعَانِ؟
يَجْمَعَانِ البُرْتُقَالَ.



ماذا يَزْرَعُونَ؟
يَزْرَعُونَ القَمْحَ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید.

.....	لا يَرْجِعُونَ.	برنگشتند.	ما رَجَعُوا.
.....	يَقْدِرَانِ.	توانستند.	قَدَرَا.
راست گفتند.	صَدَقْنَ.	يَصْدُقْنَ.
دستور خواهند داد.	سَوْفَ يَأْمُرَانِ.	يَأْمُرَانِ.
.....	لا تَنْظُرْنَ.	نگاه نکردید.	ما نَظَرْتُنَّ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. هَاتَانِ الْبِنَاتَانِ الْعَاقِلَتَانِ وَاجِبَهُمَا. تَكْتَبُونَ تَكْتُبَانِ
۲. الطُّلَابُ سَ إِلَى الصُّفُوفِ غَدًا. يَرْجِعُونَ رَجَعَتَا
۳. الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْفُنْدُقِ أَمْسٍ. تَذَهَبُونَ ذَهَبَا
۴. الطُّلَابَاتُ حَوْلَ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ. يَسْأَلْنَ يَسْأَلَنِ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

۱. لِمَاذَا تَحَضَّرُ (تَحَضَّرِينَ) فِي الْمَدْرَسَةِ؟
۲. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى الْبَيْتِ؟
۳. أَيْنَ تَأْكُلُ (تَأْكُلِينَ) الطَّعَامَ؟
۴. كَمَ مُعَلِّمًا عِنْدَكَ؟ (كَمَ مُعَلِّمَةً عِنْدَكَ؟)
۵. هَلْ عَشُّ عُصْفُورٍ فِي مَدْرَسَتِكُمْ (مَدْرَسَتِكُنَّ)؟

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

قَمَح / جَوَالَات / قَبْلَ سَنَةٍ / أَنْفُسُهُمْ / ضَحِكْتُنَّ / يَحْرُسُونَ / خَوْفٍ / عِنْدَمَا / ضِيَافَةٌ / فِرَاخِي /
يَسُوسُوا / لَا يَكْذِبُ / يَجْلِبُ / غِزْلَانٍ / سَاجِدٍ / فِضَّةٌ / أَقْرِبَاءُ / مَحْزُونَةٌ / وَاسِعَةٌ / ابْنُ آدَمَ /
جُنُودٌ / قَافِلَةٌ

- | | |
|--------------------|----------------|
| ۱. نگهبانی می‌دهند | ۱۲. کاروان |
| ۲. دروغ نمی‌گوید | ۱۳. جوجه‌هایم |
| ۳. ترسیدن، ترس | ۱۴. گندم |
| ۴. خنديدید | ۱۵. نقره |
| ۵. وقتی که | ۱۶. سجده کننده |
| ۶. می‌آورد | ۱۷. آهوها |
| ۷. تلفن‌های همراه | ۱۸. آدمی‌زاد |
| ۸. خودشان | ۱۹. سربازان |
| ۹. مهمانی | ۲۰. پهناور |
| ۱۰. سال گذشته | ۲۱. خویشاوندان |
| ۱۱. نا امید شدند | ۲۲. غمگین |

رمز ↓

						۱
						۲
				۳		
						۴
						۵
					۶	
						۷
						۸
					۹	
						۱۰
					۱۱	
						۱۲
					۱۳	
				۱۴		
						۱۵
				۱۶		
						۱۷
						۱۸
				۱۹		
						۲۰
						۲۱
						۲۲

رمز: « » رسول الله ﷺ

زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد

ساختار درس دوم تا هشتم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أَنَا أَسْمَعُ.	من می شنوم.	نَحْنُ نَسْمَعُ.	ما می شنویم.
أَنْتَ تَسْمَعُ. أَنْتِ تَسْمَعِينَ.	تو می شنوی.	أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ. أَنْتُنَّ تَسْمَعْنَ. أَنْتُمْ تَسْمَعَانِ.	شما می شنوید.
هُوَ يَسْمَعُ. هِيَ تَسْمَعُ.	او می شنود.	هُم يَسْمَعُونَ. هُنَّ يَسْمَعْنَ. هُمَا يَسْمَعَانِ. هُمَا تَسْمَعَانِ.	آنها می شنوند.

نورُ السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ يوسف ٤

﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ المنافقون ٨

﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ التَّوْبَةُ ٦٥

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ الْحُجُرَات ١٠



الدَّرْسُ التَّاسِعُ



هاتانِ الطَّالِبَتَانِ تَخْرُجَانِ مِنْ صَفِّهِمَا.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

المُعْجَم

فَطُور : صبحانه
مُحَافَظَةٌ : استان
مَسْمُوح : مجاز
مَطْعَم : غذاخوری،
رستوران «جمع: مَطَاعِم»
مَعْجُونُ أُسْنَانٍ : خمیر دندان
مَلْعَب : زمین بازی، ورزشگاه
«جمع: مَلَاعِب»
مِنْشَفَةٌ : حوله

سَادِس، سَادِسَةٌ : ششم
سَجَدًا | يَسْجُدُ : سجده کرد | سجده
می کند
سَفْرَةٌ عِلْمِيَّةٌ : گردش علمی
شاي : چای
شَلَال : آبشار «جمع: شَلَالَات»
عِشَاء : شام
غَدَاء : ناهار
عَفْرًا | يَغْفِرُ : آمرزید | می آمرزد
فِرْشَاء : مسواک
فَضِي : نقره ای

أَزْهَار : شکوفه ها، گل ها
«مفرد: زَهْر، زَهْرَةٌ»
أَسْنَان : دندان ها «مفرد: سِن»
الَّذِينَ : کسانی که
أَوْلِيَاء : یاران «مفرد: وَلِي»
بِمَ : با چه چیزی «ب + ما»
تَهْيِئَةٌ : تهیه
حُسْنَى : نیکوتر، نیکو
الأَسْمَاءُ الْحُسْنَى : نام های نیکو
ذَنْب : گناه «جمع: ذُنُوب»
سَابِع، سَابِعَةٌ : هفتم

السَّفْرَةُ الْعِلْمِيَّةُ

طَالِبَاتِ الْمَدْرَسَةِ مَسْرُورَاتٌ لِأَنَّهِنَّ سَوْفَ يَذْهَبْنَ لِسَفْرَةٍ عِلْمِيَّةٍ مِنْ شِيرَازَ إِلَى يَاسُوجَ.

الْمُدِيرَةُ: سَتَذْهَبُ إِلَى سَفْرَةٍ عِلْمِيَّةٍ يَوْمَ الْخَمِيسِ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ.

عَلَيْكُنَّ بِمُرَاعَاةِ بَعْضِ الْأُمُورِ:

- تَهْيِئَةُ الْمَلَابِسِ الْمُنَاسِبَةِ؛ لِأَنَّ الْجَوَّ فِي يَاسُوجَ بَارِدٌ.

- تَهْيِئَةُ مِنْشَفَةٍ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ وَ فِرْشَاءٍ وَ مَعْجُونِ أُسْنَانٍ.

- الْحُضُورُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا.



الطَّالِبَاتُ يَسْأَلْنَ الْمُدِيرَةَ:

الأولى: إِلَى أَيْنَ نَذْهَبُ يَا سَيِّدَتِي؟

الْمُدِيرَةُ: إِلَى يَاسُوجَ وَ حَوْلَهَا.

فِي هَذِهِ الْمَحَافِظَةِ غَابَاتٌ وَ أَنْهَارٌ وَ أَزْهَارٌ

وَ بَسَاتِينٌ وَ عُيُونٌ وَ شَلَالَاتٌ جَمِيلَةٌ.



الْمُدِيرَةُ: ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنَ الْخَمِيسِ إِلَى السَّبْتِ.

الثَّانِيَةُ: كَمْ يَوْمًا نَبْقَى؟

الْمُدِيرَةُ: صَبَاحَ يَوْمِ الْأَحَدِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ.

الثَّالِثَةُ: مَتَى نَرْجِعُ؟

الْمُدِيرَةُ: بِالْحَافِلَةِ.

الرَّابِعَةُ: بِمَ نَذْهَبُ إِلَى هُنَاكَ؟

الخَامِسَةُ: أَيْنَ نَأْكُلُ الطَّعَامَ:

الْفُطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ؟ الْمُدِيرَةُ: فِي مَطْعَمٍ نَظِيفٍ وَ جَيِّدٍ.

السَّادِسَةَ: هَلِ الْجَوَالُ مَسْمُوحٌ لَنَا؟ الْمُدِيرَةُ: نَعَمْ.

السَّابِعَةَ: أَيْنَ نَبَقَى لِلِاسْتِرَاحَةِ؟ الْمُدِيرَةُ: فِي فُنْدُقِ الْمُعَلِّمِينَ.

الثَّامِنَةَ: هَلْ هُنَاكَ مَلْعَبٌ؟ الْمُدِيرَةُ: نَعَمْ، ثَلَاثَةُ مَلَاعِبٍ.

فَرِحَ الْجَمِيعُ لِهَذِهِ السَّفَرَةِ الْجَمِيلَةِ.

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ)



مَاذَا يَفْعَلْنَ؟

هُنَّ يَسْمَعْنَ الْقُرْآنَ.



مَاذَا يَفْعَلُونَ؟

هُمُ يَسْمَعُونَ الْقُرْآنَ.



مَاذَا تَفْعَلَانِ؟

هُمَا تَجْمَعَانِ وَّرَقَ الشَّايِ.



مَاذَا يَفْعَلَانِ؟

هُمَا يَجْمَعَانِ الْأَزْهَارَ.

بدانیم

پرسش و پاسخ با کلمه پرسشی «کیف: چگونه»:

۱. كَيْفَ حَالُكَ؟ أَنَا بِخَيْرٍ.

۲. كَيْفَ وَصَلْتَ؟ بِسُرْعَةٍ.



كَيْفَ تَسْأَلُ الطَّالِبَةَ؟
تَسْأَلُ مَسْرُورَةً.



كَيْفَ يَخْرُجُ الْوَلَدُ مِنَ الصَّفِّ؟
يَخْرُجُ سَرِيعًا.

فَنِّ تَرْجَمَهُ

گاهی کلمه «عِنْدَ: نزد» یا «لِ، لَ: برای» برای مالکیت به کار می‌رود؛ مثال:

کتابخانه‌ای داریم.	لَنَا مَكْتَبَةٌ.	خدا نام‌های نیکو دارد.	لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
خانه بزرگی دارید.	عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ.	گل‌های زیبایی داری.	عِنْدَكَ أَزْهَارٌ جَمِيلَةٌ.
باغ زیبایی دارند.	لَهُمْ حَدِيقَةٌ جَمِيلَةٌ.	مادرم انگشتر نقره دارد.	لِأُمِّي خَاتَمٌ فَضِيٌّ.

کتابتون این گفت و گوها را ترجمه کنید.



هَلْ عِنْدَكَ مُعْجَمُ الْعَرَبِيَّةِ؟
نَعَمْ؛ عِنْدِي.



هَلْ عِنْدَكَ قَلَمٌ أَزْرَقٌ؟
لا؛ عِنْدِي قَلَمٌ أَخْضَرٌ.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

با توجه به متن درس به پرسش های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. مَتَى تَذْهَبُ الطَّالِبَاتُ إِلَى السَّفَرَةِ؟

.....

۲. هَلْ الْجَوَّالُ مَسْمُوحٌ فِي السَّفَرَةِ؟

.....

۳. مِنْ أَيِّ مُحَافِظَةِ الطَّالِبَاتُ؟

.....

۴. إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ الطَّالِبَاتُ؟

.....

۵. بِمَ يَذْهَبْنَ إِلَى السَّفَرَةِ؟

.....

۶. كَيْفَ الْجَوُّ فِي يَاسُوجٍ؟

.....

۷. كَمْ يَوْمًا هَذِهِ السَّفَرَةُ؟

.....

التَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أولئِكَ الطَّالِبَاتُ يَذْهَبْنَ إِلَى سَفَرَةٍ. أولئِكَ الطُّلَابُ يَذْهَبُونَ إِلَى سَفَرَةٍ.



هَذَانِ الطَّالِبَانِ يَخْرُجَانِ مِنْ صَفَّهِمَا. هَاتَانِ الطَّالِبَتَانِ تَخْرُجَانِ مِنْ صَفَّهِمَا.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ يُوَسِّسُ ٤٤

٢. ﴿... وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ...﴾ النَّصْر ٢

٣. الْمُؤْمِنُونَ يَصْدُقُونَ وَ لَا يَكْذِبُونَ فِي الْحَيَاةِ.

٤. الْأَخْتَانِ سَمِعْتَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَ هُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ.

٥. عِنْدَنَا طَعَامٌ كَثِيرٌ لِلْعِشَاءِ عَلَى الْمَائِدَةِ؛ نَأْكُلُهُ مَعًا.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● كزینہ مناسب را انتخاب کنید.

١. شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ: الْفِرْشَاءُ الْمُنْشَفَةُ
٢. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمُدُنِ: الْمُحَافِظَةُ الْمَكْتَبَةُ
٣. سَبَبُ جَمَالِ الرَّبِيعِ: الْمَعْجُونُ الْأَزْهَارُ
٤. طَعَامُ الصَّبَاحِ: الْغَدَاءُ الْفَطُورُ
٥. بَيْتُ الطَّائِرِ: الْمُسْتَوْصَفُ الْعُشُّ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

١. كَيْفَ حَالُ الْوَالِدَيْنِ؟
٢. لِمَاذَا أَنْتَ (أَنْتِ) هُنَا؟
٣. هَلْ عِنْدَكَ (عِنْدِكَ) مُعْجَمُ الْعَرَبِيَّةِ؟
٤. إِلَى أَيْنَ ذَهَبْتَ (ذَهَبْتِ) فِي أَيَّامِ نَوْرُوزِ؟
٥. أَمْدِينَةُ كَرَجٍ بَعِيدَةٌ عَنِ طَهْرَانَ؟

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

زير هر تصوير نام آن را به عربى بنويسيد.

حافِلةٌ / شاي / شلال / منشفةٌ / فرشةٌ / حمامةٌ / أزهار / خاتمٌ / عَشٌّ / عُصفور /
فراخ / فرس



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



.....



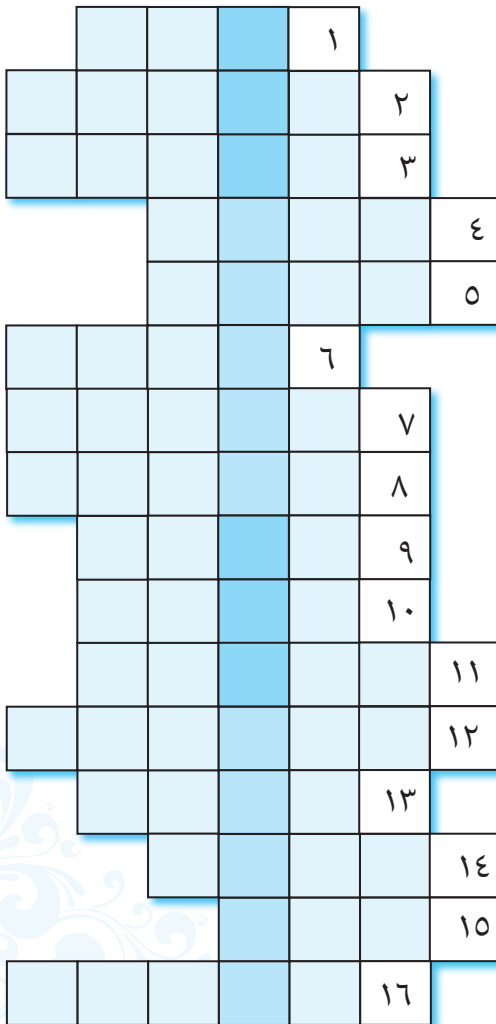
.....

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

در جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

ثَالِثٌ / خَائِفٌ / عِنْدَهُمْ / مَسْمُوحٌ / حَدَّثَ / عَدَاءٌ / هُنَاكَ / أَقْدَامٌ / مَلَاعِبٌ / مِشَقَّةٌ /
عُصْفُورٌ / يَصْدُقُ / سَادِسٌ / شَايٌ / شَلَالٌ / مُحَافَظَةٌ

رمز ↓



۱. اتفاق افتاد
۲. مُجاز
۳. دارند
۴. ناهار
۵. سوم
۶. ترسیده
۷. ورزشگاه‌ها
۸. پاها
۹. آنجا
۱۰. راست می‌گوید
۱۱. گنجشک
۱۲. استان
۱۳. آبشار
۱۴. ششم
۱۵. چای
۱۶. حوله

رمز: « » . « رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ »

ساختار درس دوم تا نهم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می‌نشینیم.	نَحْنُ نَجِلسُ.	من می‌نشینم.	أَنَا أَجِلسُ.
شما می‌نشینید.	أَنْتُمْ تَجِلسُونَ. أَنْتُنَّ تَجِلسْنَ. أَنْتُمْ تَجِلسَانِ.	تو می‌نشینی.	أَنْتَ تَجِلسُ. أَنْتِ تَجِلسِينَ.
آنها می‌نشینند.	هُمَّ يَجِلسُونَ. هُنَّ يَجِلسْنَ. هُمَا يَجِلسَانِ. هُمَا تَجِلسَانِ.	او می‌نشیند.	هُوَ يَجِلسُ. هِيَ تَجِلسُ.

نور السماء

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿... يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ...﴾
الحج ١٨

﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ يونس ٦٢

﴿الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ الحج ٩٦

﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً...﴾ الزمر ٥٣

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التوبة ٤٠

تحقیق کنید نام چه حیواناتی در قرآن آمده است؟ یک روزنامه دیواری در این باره تهیه کنید.

نَظَرَةٌ إِلَى الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ

فارسی	عربی	
من تکلیفم را می نویسم.	أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبِي.	 
تو تکلیفت را می نویسی.	أَنْتَ تَكْتُبُ وَاجِبِكَ. أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبِكَ.	 
او تکلیفش را می نویسد.	هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَهُ. هِيَ تَكْتُبُ وَاجِبَهَا.	 
ما تکلیفمان را می نویسیم.	نَحْنُ نَكْتُبُ وَاجِبَنَا.	 



<p>شما تکلیفتان را می نویسید.</p>	<p>أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَاجِبِكُمْ. أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ وَاجِبِكُنَّ. أَنْتُمْ تَكْتُبَانِ وَاجِبِكُما.</p>	
<p>ایشان تکلیفشان را می نویسند.</p>	<p>هُم يَكْتُبُونَ وَاجِبِهِمْ. هُنَّ يَكْتُبْنَ وَاجِبِهِنَّ. هُمَا يَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا. هُمَا تَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا.</p>	





الدَّرْسُ العَاشِرُ



الثَّانِي: العِلْمُ كَنْزٌ.

مَنْ يَعْرِفُ حَدِيثًا حَوْلَ قِيَمَةِ العِلْمِ؟

الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم

هَذي : اين «به معنای هُذِه
است.»

هَجْر : دوری

ثاني عَشْرَ، ثانيَّة عَشْرَةَ : دوازدهم
حادي عَشْرَ، حاديَّة عَشْرَةَ :
يازدهم
عاشِر، عاشِرَة : دهم

إجابات: پاسخها «مفرد: إجابة»
تاسِع، تاسِعَة: نهم
تَمْر : خرما

الحِكْمُ

سَأَلَ مُعَلِّمُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ:



- هَلْ تَعْرِفُونَ حِكْمًا؟ الأوَّل: نَعَمْ؛ نَعْرِفُ كَثِيرًا.

- مَنْ يَعْرِفُ حَدِيثًا حَوْلَ قِيَمَةِ العِلْمِ؟ الثَّاني: العِلْمُ كَنْزٌ.

- مَنْ يَذْكُرُ حَدِيثًا عَنِ الإِتِّحَادِ؟ الثَّالثُ: يَدُ اللّهِ مَعَ الجَماعَةِ.

- مَنْ يَعْلَمُ مِنْكُمْ حِكْمَةَ حَوْلِ الْفُرْصَةِ؟ الرَّابِعُ: إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.

- مَنْ يَقُولُ حَدِيثًا حَوْلَ الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ؟ الْخَامِسُ: حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ.

- مَنْ يَعْرِفُ حِكْمَةَ حَوْلِ مُدَارَاةِ النَّاسِ؟ السَّادِسُ: سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ.

- مَنْ يَعْرِفُ مَثَلًا حَوْلَ صِفَةِ الْمُؤْمِنِ؟ السَّابِعُ: الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ.

- مَنْ يَعْرِفُ حَدِيثًا حَوْلَ أَهْمِيَّةِ الصَّلَاةِ؟ الثَّامِنُ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ.

- مَنْ يَذْكُرُ حَدِيثًا حَوْلَ التَّفَكُّرِ؟ التَّاسِعُ: تَفَكُّرُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

- مَا فَائِدَةُ الْأَمْثَالِ وَالْحِكْمِ؟ الْعَاشِرُ: كُنُوزُ اللُّغَةِ.

- هَلْ تَعْرِفُونَ إِجَابَةَ أُخْرَى؟ الْحَادِي عَشَرَ: نَعَمْ؛ الْأَمْثَالُ وَالْحِكْمُ مِيرَاثُ أَجْدَادِنَا.

- مَا شَاءَ اللَّهُ! كُلُّ الْإِجَابَاتِ صَحِيحَةٌ.



الأعدادُ التَّرتيبيَّةُ

			
السَّابِعة	السَّابع	الأوَّلَى	الأوَّل
الثَّامِنة	الثَّامن	الثَّانية	الثَّاني
التَّاسِعة	التَّاسِع	الثَّالِثة	الثَّالث
العَاشِرة	العَاشِر	الرَّابِعة	الرَّابِع
الحَادِيَةَ عَشْرَةَ	الحَادِي عَشْرَ	الخَامِسة	الخَامِس
الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ	الثَّانِي عَشْرَ	السَّادِسة	السَّادِس

التَّمارين

التَّمَرِينُ الأوَّلُ

كحلِّم كزينة مناسب را انتخاب كنيد.

١. الشَّهْرُ فِي السَّنَةِ شَهْرٌ بِهِمَن. الحَادِي عَشْرَ الثَّانِي عَشْرَ
٢. اليَوْمُ السَّادِسُ فِي الأُسْبُوعِ يَوْمٌ الأَحَدِ الخَمِيسِ
٣. نحن فِي هَذِهِ السَّنَةِ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ السَّابِعِ
٤. لِلْفَائِزِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ. الأوَّلِ الرَّابِعِ
٥. الفَصْلُ الثَّالِثُ فِي السَّنَةِ رَبِيعُ خَرِيفُ

التَّمْرِينُ الثَّانِي

كحل جملة زير را ترجمه كنيد.

الْفَاكِهَةُ الْأُولَى رُمَانٌ وَ الثَّانِيَةُ عِنَبٌ وَ الثَّلَاثَةُ تَفَاحٌ وَ الرَّابِعَةُ مَوْزٌ وَ الْخَامِسَةُ بُرْتُقَالٌ وَ السَّادِسَةُ تَمْرٌ.

٢



١



٤



٣



٦



٥



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● هر توضیح را به کلمه مربوط به آن وصل کنید.

المُعْجَم

١. لُغَةٌ عَالَمِيَّةٌ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ:

العَرَبِيَّة

٢. فَصْلُ الْأَزْهَارِ وَبِدَايَةُ فُصُولِ السَّنَةِ:

الرَّبِيع

٣. كِتَابٌ يَشْرَحُ مَعَانِي الْكَلِمَاتِ:

المَسْجِد

٤. قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ:

الدُّمُوع

٥. مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ:

السَّنَةِ

٦. طَعَامٌ نَأْكُلُهُ فِي الصَّبَاحِ:

الْفَطُور

٧. مَكَانٌ لِفَحْصِ الْمَرَضَى:

المُسْتَوْصَف

٨. إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● جمله‌های هماهنگ عربی و فارسی را به هم وصل کنید.

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت	خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل.	سُكُوتُ اللَّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ.
درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد؛ نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد.	الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.
اندازه نگه دار که اندازه نکوست؛ هم لایق دشمن است و هم لایق دوست.	مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.
زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.	زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● عقربه‌های هر ساعت را رسم کنید.



الْعَاشِرَةُ.



الرَّابِعَةُ.



الْخَامِسَةُ.



الْحَادِيَّةُ عَشْرَةٌ.



الثَّانِيَّةُ.



الْوَاحِدَةُ.



الثَّلَاثَةُ.



السَّابِعَةُ.



السَّادِسَةُ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● متن زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر عددهای ترتیبی خط بکشید.

أَيْنَ مَرَاقِدِ الْأَيْمَةِ عليها السلام؟

مَرَقْدُ الْإِمَامِ الْأَوَّلِ عليه السلام فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ؛



وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّانِي وَ الرَّابِعِ وَ الْخَامِسِ وَ السَّادِسِ (عليهم السلام) فِي الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ؛



وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ (عليه السلام) فِي كَرْبَلَاءَ؛



وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ السَّابِعِ وَ التَّاسِعِ (عليهما السلام) فِي الْكَاطِمِيَّةِ؛



وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّامِنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَشْهَدِ فِي مَحَافِظَةِ خِرَاسَانَ الرَّضَوِيَّةِ؛



وَ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الْعَاشِرِ وَ الْحَادِي عَشَرَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي سَامَرَاءَ؛



وَ الْإِمَامُ الثَّانِي عَشَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْ غَائِبٌ عَنِ النَّظَرِ.



التَّمْرِينُ السَّابِعُ

● معنای مصراع های عربی این سروده حافظ را بنویسید.

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه إِيَّيْ رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَه

دارم من از فراقش در دیده صد علامت لَيْسَتْ دُمُوعٌ عَيْنِي هُدًى لَنَا الْعَلَامَه؟



مُعْجَم

كَلِمَاتُ الصَّفِّ
السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ

أَجَابَ عَنْ : پاسخ داد به

إِجَابَةٌ : پاسخ ۱۰

أَحَبُّ | يُحِبُّ : دوست داشت | دوست دارد ۳

الأَحَدِ (يَوْمُ الأَحَدِ) : یکشنبه

أَحَدٌ : کسی

أَحَدٌ : یکی از، کسی ۶

أَحَدَ عَشَرَ : یازده

إِحْدَى : یکی از ۵

إِحْسَانٌ : نیکی کردن

أَحْمَرٌ : سرخ

أَحْيَاءٌ : زندگان «مفرد: حَيٌّ»

أَخٌ (أَخُو، أَخَا، أَخِي): برادر «جمع: إِخْوَةٌ»

أُخْتٌ : خواهر «جمع: أَخَوَاتٌ»

أَحَدًا | يَأْخُذُ : گرفت، برداشت | می‌گیرد، بر می‌دارد

أَخْضَرٌ : سبز

إِذَا : هرگاه، اگر

أَرَاذِلُ : فرومایگان، آدم‌های پست

الأَرْبَعَاءِ (يَوْمُ الأَرْبَعَاءِ) : چهارشنبه

الف

آباء : پدران «مفرد: أب» ۷

آخِرٌ : دیگر ۳

آلِهَةٌ : خدایان «مفرد: إله» *

أُ؟ : آیا؟

أب (أَبُو، أَبَا، أَبِي) : پدر

إِبْتِسَامٌ : لبخند

أَبْصَارٌ : دیدگان «مفرد: بَصْرٌ» ۵

إِبْنُ آدَمَ : آدمی زاد «إِبْنِ: پسر، فرزند» ۴

أَبْيَضٌ : سفید

أَتَى | يَأْتِي: آمد | می‌آید ۵

إِثْنَا عَشَرَ : دوازده

إِثْنَانٍ : دو

الإِثْنَيْنِ (يَوْمُ الإِثْنَيْنِ) : دوشنبه

أَرْبَعَةٌ : چهار

أَقْرَبَاءٌ : خویشاوندان «مفرد: قَرِيب» ۸

أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ: چهل ۶

أَقْمَارٌ : ماهها «مفرد: قَمَر» ۵

أَرْضٌ : زمین

أَكْبَرُ : بزرگ تر

أَزْرَقٌ : آبی

أَكَلَ : خورد

أَزْهَارٌ : شکوفه‌ها، گُل ها «مفرد: زَهْر، زَهْرَةٌ» ۹

أَلَا : هان ۷

أُسْبُوعٌ : هفته «جمع: أسابیع»

إِلَّا : به جز

أُسْرَةٌ : خانواده

الَّذِي : کسی که

أَسْنَانٌ : دندان‌ها «مفرد: سِنٌّ» ۹

الَّذِينَ : کسانی که ۹

أَسْوَدٌ : سیاه

إِلَى : به، به سوی، تا

إِشْتَرَى : خرید

إِلَى اللِّقَاءِ : به امید دیدار

أَصْحَابُ الْمِهْنِ : صاحبان شغل‌ها ۳

الْيَوْمَ : امروز

أَضْفَرٌ : زرد

أُمٌّ : مادر «جمع: أُمَّهَات»

إِضَاعَةٌ : تلف کردن ۷

أُمٌّ : یا

أَعْطَى : داد

أَمَامَ : روبه رو

أَعْلَمُ : داناترین، داناتر ۵

أَمَانٌ : امنیّت

أَفْضَلُ : شایستگان

إِمْرَأًا (الْمَرْءُ): انسان

أَفْضَلُ : برتر، برترین

إِمْرَأَةً (الْمَرْأَةُ): زن «نساء : زنان»

أَقْدَامٌ : پاها «مفرد: قَدَمٌ»

أَمْسٌ : دیروز

أَمِنَ : امنیت ۳

أَيْنَ؟ : کجا؟

إِنَّ : حقیقتاً، قطعاً

أَيْهَا، أَيْتَهَا : ای

أَنَّ : که

أَيْضاً : همچنین ۲

أَنَا : من

أَنْتَ : تو «مذکر»

أَنْتِ : تو «مؤنث»

أَنْتُمْ : شما «مذکر»

أَنْتُنَّ : شما «مثنی»

أَنْتُنَّ : شما «مؤنث»

أَنْفُسُهُمْ : به خودشان «مفرد: نَفْس» ۵

أَنْفَعُ : سودمندتر، سودمندترین

إِنَّمَا: فقط ۴

أُورَاقُ : برگها «مفرد: وَرَق»

أَوْسَطُ : میانه‌ترین

أُولَى : یکم، نخستین «مؤنثِ أَوْل» ۶

أَوْلِيكَ : آنان

أَهْلًا وَ سَهْلًا : خوش آمدید

أَيُّ؟ : کدام، چه؟

باء

بِ : به وسیله

بَابُ : در «جمع: أَبواب»

بَارِدٌ : سرد

بِالتَّأَكِيدِ : البته ۵

بَائِعٌ : فروشنده

بِحَاجَةٍ : نیازمند

بَحَثَ عَنْ | يَبْحَثُ عَنْ : دنبال...گشت | دنبال...

می‌گردد

بَحْرٌ : دریا

بَدَأَ بِـ | يَبْدَأُ بِـ : شروع کرد به | شروع می‌کند به

بِدَايَةٍ : شروع

بُسْتَانٌ : باغ «جمع: بَسَاتين»

تاء

تاسِع، تاسِعَة : نهم ۱۰

تَحْت : زیر

تَسْعَة : نه

تَعْلَم : یاد گرفتن ۲

تَفَّاح : سیب

تَقَاعُد : بازنشستگی

تَقَدُّم : پیشرفت ۳

تِلْكَ : آن «مؤنث»

تَمْر : خرما ۱۰

تَهَيَّأَة : تهیه ۹

ثاء

ثَالِث، ثَالِثَة : سوم ۵

ثَامِن، ثَامِنَة : هشتم ۱

ثَانِي، ثَانِيَة : دوم ۶

ثَانِي عَشْر، ثَانِيَة عَشْرَة : دوازدهم ۱۰

الثَّلَاثاء (يَوْمُ الثَّلَاثاء) : سه‌شنبه

بِسُهولة : به آسانی ۴

بَسِيْط : ساده ۱

بَعْدَمَا : پس از اینکه ۵

بَعِيْد : دور

بَقْرَة : گاو ماده

بَقِي : ماند ۵

بِكُلِّ سُرور : با کمال میل ۵

بَل : بلکه

بِلَا : بدون

بِلاد : کشور، شهرها «مفرد: بَلَد» ۳

بِمَ : با چه چیزی «ب + ما» ۹

بِنْت : دختر «جمع: بَنَات»

بَيْت : خانه

بَيْع : فروش ۳

ثَلَاثَةٌ : سه

جَلَبَ | يَجْلِبُ : آورد | می آورد ۷

ثُمَّ : سپس

جَلَسَ | يَجْلِسُ : نشست | می نشیند

ثَمَانِيَةٌ : هشت

جَلِيسُ السُّوءِ : همنشین بد

ثَمَرٌ، ثَمَرَةٌ : میوه

جَعَلَ | يَجْعَلُ : قرار داد | قرار می دهد ۲

جَمَالٌ : زیبایی

جیم

جَاءَ : آمد

جَمَعَ | يَجْمَعُ : جمع کرد | جمع می کند

جَارٌ : همسایه «جمع: جيران» ۵

جَمِيلٌ : زیبا

جَالِسٌ : نِشِستِه

جَنْبٌ : کنار

جَاهِلٌ : نادان

جَنَّةٌ : بهشت

جِبَالٌ : کوه ها ۷

جُنْدِيٌّ : سرباز «جمع: جُنود»

جَبَلٌ : کوه

جَوٌّ : هوا

جَدٌّ : پدر بزرگ

جَوَالٌ (الْهَاتِفُ الْجَوَالُ): تلفن همراه

جِدًّا : بسیار

جَهْلٌ : نادانی

جِدَارٌ : دیوار

جَيِّدًا : خوب، به خوبی

جَدَلٌ : ستیز ۴

حاء

جَدَّةٌ : مادر بزرگ

حَادِي عَشْرَ، حَادِيَّةُ عَشْرَةٍ : یازدهم ۱۰

جَزَاءٌ : پاداش

حَارٌّ : گرم

حَافِلَةٌ: اتوبوس «جمع: حافلات» ٦

حَسَنَةٌ: خوب

حُبٌّ: دوست داشتن

حَصَدًا|يَحْصُدُ: درو کرد| درو می‌کند

حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ: فرص‌های مسکن «مفرد: حَبَّة» ٦

حَطَبٌ: هیزم ٧

حَبِيبٌ: دوست ٥

حَفِظًا|يَحْفَظُ: حفظ کرد| حفظ می‌کند

حَجَرٌ: سنگ «جمع: أحجار، حِجَارَةٌ»

حَقِيبَةٌ: کیف، چمدان «جمع: حَقَائِبُ»

حَدَادٌ: آهنگر ٣

حَلْوَانِيٌّ: شیرینی فروش ٣

حَدَثٌ|يَحْدُثُ: اتفاق افتاد| اتفاق می‌افتد ٨

حَمَامَةٌ: کبوتر ٧

حُدُودٌ: مرز، مرزها

حَمَلٌ: بُرَدَن، حمل کردن ٥

حَدِيقَةٌ: باغ «جمع: حَدَائِقُ»

حِوَارٌ: گفت و گو

حَرَسٌ|يَحْرُسُ: نگهداری کرد، نگهداری داد|

حَوَائِجٌ: نیازها «مفرد: حَاجَةٌ» ٧

نگهداری می‌کند، نگهداری می‌دهد ٥

حَوَّلٌ: اطراف

حَزِنٌ|يَحْزَنُ: غمگین شد| غمگین می‌شود

حَيَاءٌ: شرم

حَزِينٌ: غمگین

حَيَاةٌ: زندگی

حُسامٌ: شمشیر

حَسَدٌ: حسادت ٧

خاء

حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی

خَاتَمٌ: انگشتر ٦

حُسْنُ الْعَهْدِ: خوش پیمانی

خَافٌ: ترسید

حُسْنٌ: خوبی

دال

دَخَلَ | يَدْخُلُ : داخل شد | داخل می‌شود

دَمَع : اشک «جمع: دُموع» ۵

دَوَاء : دارو ۴

دَوْرَان : چرخیدن

دَهْر : روزگار

ذال

ذَاهِب : رفته

ذَكَرَ | يَذْكُرُ : یاد کرد | یاد می‌کند

ذَلِك : آن «مذکر»

ذَنْب : گناه «جمع: ذُنُوب» ۹

ذَهَب : طلا

ذَهَبَ | يَذْهَبُ : رفت | می‌رود

ذئب : گرگ «جمع: ذئاب» ۷

راء

رابع، رابِعَة : چهارم ۷

خامِس، خَامِسَة : پنجم ۷

خَائِف : ترسیده، ترسان

خَبَّاز : نانوا ۳

خُبْز : نان ۳

خَدِمَ | يَخْدِمُ : خدمت کرد | خدمت می‌کند ۲

خَرَجَ | يَخْرُجُ : بیرون رفت | بیرون می‌رود

خَرِيف : پاییز

خَزَائِن : گنجینه‌ها «مفرد: خَزَانَة» ۵

خُسْرَان : زیان

خَشَب : چوب «جمع: أَحْشَاب»

خَطَايَا : گناهان، خطاها «مفرد: خَطِيئَة» ۴

خَلْفَ : پشت

خَلَقَ | يَخْلُقُ : آفرید | می‌آفریند

خَمْسَة : پنج

الْخَمِيس (يَوْمُ الْخَمِيسِ) : پنجشنبه

خَوْف : ترس، ترسیدن ۸

خَيْر : بهتر، بهترین

رَأَى : دید

زَمِيلٌ، زَمِيلَةٌ : هم‌شاگردی ۵

رَأَى : نظر، فکر

زَوَّارٌ : زائران، «مفرد: زائر» ۶

رُبٌّ : چه بسا

زَوْجَةٌ : همسر «زوج: شوهر»

رَبِيعٌ : بهار

سین

رَجَعًا | يَرْجِعُ : برگشت | بر می‌گردد

سَدٌ، سَوْفٌ : نشانه آینده ۳

رَجُلٌ : مرد «جمع: رجال»

سَابِعٌ، سَابِعَةٌ : هفتم ۹

رُجُوعٌ : برگشتن ۴

سَاجِدٌ : سجده کننده ۸

رَخِيصَةٌ : ارزان

سَاحَةٌ : حیاط، میدان ۵

رُزٌّ : برنج ۳

سَادِسٌ، سَادِسَةٌ : ششم ۹

رِسَالَةٌ : نامه «جمع: رَسَائِلُ» ۸

سَافِرًا | يُسَافِرُ : سفر کرد | سفر می‌کند ۶

رِضَا : رضایت

سَأَلَ | يَسْأَلُ : پرسید | می‌پرسد

رَفَعَ | يَرْفَعُ : بالا بُرد، برداشت | بالا می‌برد، بر

سَائِقٌ : راننده

می‌دارد

سَبْتٌ : شنبه

رُمَانٌ : انار

سَبْعَةٌ : هفت

رِیَاضَةٌ : ورزش ۳

سَبْعِينَ، سَبْعُونَ : هفتاد

رِیَاضِيٌّ : ورزشکار ۴

سَتَّةٌ : شش

زاء

سَجَدًا | يَسْجُدُ : سجده کرد | سجده می‌کند ۹

زَّرَعَ | يَزْرَعُ : کاشت، می‌کارد

سَيَّارَةٌ : خودرو

سَحَاب : ابر

سَيِّد : آقا

سَخَاوَةٌ : بخشندگی

سَيِّدَةٌ : خانم

سِرْوَال : شلوار

سَفْرَةٌ : سفر ۶

سَفْرَةٌ عِلْمِيَّةٌ : گردش علمی ۹

سَفِينَةٌ : کشتی

شین

شَارِع : خیابان

سَلِمَ | يَسْلَمُ : سالم ماند | سالم می ماند

شَاهِدٌ | يُشَاهِدُ : دید | می بیند ۴

سَمَاء : آسمان «جمع: سَمَوَات»

شَاي : چای ۹

سَمَحَ | إِسْمَحُ : اجازه داد | اجازه می دهد

شَبَكَةٌ : تور

سَمِعَ | يَسْمَعُ : شنید | می شنود

شِتَاء : زمستان

سَمَك : ماهی «جمع: أَسْمَاك»

شَجَرٌ، شَجَرَةٌ : درخت «جمع شَجَرٌ: أَشْجَار»

سَنَةٌ : سال «جمع: سَنَوَات»

شِرَاء : خریدن

سَنَةٌ دِرَاسِيَّةٌ : سال تحصیلی ۱

شَرَاب : شربت ۶

سُنْجَاب : سنجاب ۴

شَرِبَ | يَشْرَبُ : نوشید | می نوشد

سَوْء : بدی، بد

شَرَحَ | يَشْرَحُ : شرح داد | شرح می دهد ۳

سُور : سوره ها «مفرد: سُورَةٌ»

شُرْطِيّ : پلیس ۳

سُوق : بازار

سَهْل : آسان ۲

شَعَرَ بِـ | يَشْعُرُ بِـ : احساس... کرد | احساس... می‌کند

صَغِيرٌ : کوچک
صَفٌّ : کلاس «جمع: صُفوف»

شَكَرَ | يَشْكُرُ : تشکر کرد | تشکر می‌کند ٤

صَلَاةٌ : نماز

شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار متشکر

صُنْعٌ : ساختن

شَلَّالٌ : آبشار «جمع: شَلَّالات» ٩

صَنَعَ | يَصْنَعُ : ساخت | می‌سازد

شَمْسٌ : خورشید

صَوْرَةٌ : عکس

شَهْرٌ : ماه «جمع: شُهُور»

صَيْفٌ : تابستان

صاد

ضاد

صَادِقٌ : راستگو ٤

صَحِيحٌ | يَصْحَحُ : خنديد | می‌خندد ٧

صَارَ | يَصِيرُ : شد | می‌شود ٣

صَرَبٌ | يَصْرِبُ : زد | می‌زند

صَبَاحَ الْخَيْرِ، صَبَاحَ النَّوْرِ : صبح به خیر

صَغَطُ الدَّمِّ : فشار خون ٦

صِحَّةٌ : تندرستی

ضِيَافَةٌ : مهمانی ٨

صُدَاعٌ : سردرد ٦

صَيْفٌ : مهمان «جمع: صُيُوف»

صَدَاقَةٌ : دوستی

طاء

صَدَقَ | يَصْدُقُ : راست گفت | راست می‌گوید ٤

طَالِبٌ : دانش آموز، دانشجو «جمع: طُلَّاب»

صَدِيقٌ : دوست «جمع: أَصْدِقَاءُ»

طَائِرٌ : پرنده ٧

صَعِدَ | يَصْعَدُ : بالا رفت | بالا می‌رود

طَائِرَةٌ : هواپیما ٦

صَغَرَ : خُردسالی، کوچکی

طِبُّ الْعَيْونِ : چشم پزشکی ۳

عَدَاوَة : دشمنی

طَبَّاحٌ : آشپز ۳

عُدُوَانٌ : دشمنی

طَبَّخٌ | يَطْبُخُ | طَبَخَ : پخت | می‌پزد | پختن ۳

عَرَفَ | يَعْرِفُ : شناخت، دانست | می‌شناسد،

می‌داند

طَرَقَ | يَطْرُقُ : کوید | می‌کوید

عَزَّةٌ : ارجمندی ۸

طَعَامٌ : خوراک «جمع: أَطْعَمَة» ۴

عُشٌّ : لانه ۸

طَلَبَ | يَطْلُبُ : درخواست کرد | درخواست

عَشَاءٌ : شام ۹

می‌کند

عَشْرَةٌ : ده

ظاء

عُضْفُورٌ : گنجشک «جمع: عَصَافِير» ۵

ظَلَمَ | يَظْلِمُ : ستم کرد | ستم می‌کند ۴

عَفْوًا : ببخشید

عين

عَلَمٌ : پرچم «جمع: أعلام»

عَاشَ | يَعِيشُ : زندگی کرد | زندگی می‌کند ۴

عَلِمَ | يَعْلَمُ : دانست | می‌داند

عَاشِرٌ، عَاشِرَةٌ : دهم ۱۰

عَلَى : بر، روی

عَالَمٌ : جهان «عَالَمِيٌّ: جهانی، بین المللی / عَالَمِيَّةٌ:

عَلَى الْيَمِينِ : سمت راست

جهانیان» ۲

عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ

عِبَاءَةٌ : چادر

عَلَيْكَ : بر تو، به زیان تو

عَبْدٌ : بنده

عَلَيْكَ بِ... : بر تو لازم است ... ، تو باید ...

عَبَرَ | يَعْبُرُ : عبور کرد | عبور می‌کند

عَمِلَ | يَعْمَلُ : انجام داد، کار کرد | انجام می‌دهد،

کار می‌کند

عِبْرَةٌ : پند «جمع: عِبَرٌ»

عَمُود : ستون

غَزْلَان : آهوها «مفرد: غَزَالَة» ۷

عَن : در باره، از ۱۰

غَسَلَّ | يَغْسِلُ : شست | می شوید

عِنَب : انگور

غَضَب : خشم ۴

عِنْدَ : نزد، کنار، داشتن ۸

غَفَّرَ | يَغْفِرُ : آمرزید | می آمرزد ۹

عِنْدَكَ : داری، نزد تو ۶

فاء

عِنْدَمَا : وقتی که ۸

فَ : پس

عَيْش : زندگی

فَاعِل : انجام دهنده

عَيْن : چشم، چشمه «جمع: عَيُون» ۳

فَاكِهَةٌ : میوه «جمع: فَوَاكِه»

فَائِز : برنده

غین

غَابَةٌ : جنگل ۷

فَتَحَ | يَفْتَحُ : باز کرد | باز می کند

غَالِيَةٌ : گران

فَحْصٌ | يَفْحَصُ | فَحَّصَ : معاینه کرد | معاینه

غَايَةٌ : پایان ۳

می کند | معاینه کردن ۳

عَدَاً : فردا

فَرَّخَ : جوجه «جمع: فِرَاخ» ۷

عَدَاء : ناهار ۹

فَرَّحَ : شادی ۷

فَرِحَ | يَفْرَحُ : خوشحال شد | خوشحال می شود

عُرَاب : کلاغ

فَرَس : اسب ۴

عُرْقَةٌ : اتاق

فَرِشَاة : مسواک ۹

غَرِقَ | يَغْرُقُ : غرق شد | غرق می شود ۴

فَرِيضَةٌ : واجب دینی

فُسْتَان : پیراهنِ زنانه «جمع: فُسَاتِين»

قَالَ فِي نَفْسِهِ : با خودش گفت

فِصَّة : نقره ۴

قَبْلَ أُسْبُوعٍ : هفته قبل ۵

فَطُور : صبحانه ۹

قَبْلَ شَهْرٍ : ماه قبل ۵

فَعَلَ | يَفْعَلُ : انجام داد | انجام می‌دهد

قَبِلَ | يَقْبَلُ : پذیرفت | می‌پذیرد

فِعْلٌ : کار، انجام دادن ۴

قَبِيحٌ : زشت

فَلَاحٌ : کشاورز

قَدَرًا | يَقْدِرُ : توانست | می‌تواند ۲

فُنْدُقٌ : هتل

قَدَفًا | يَقْدِفُ : انداخت | می‌اندازد

فَوْقٌ : بالا، روی

قَرَأًا | يَقْرَأُ : خواند | می‌خواند

فَهِمَّ | يَفْهَمُ : فهمید | می‌فهمد ۴

قَرَبَ مِنْ | يَقْرُبُ مِنْ : نزدیک شد به | نزدیک

فِي : در، داخل

می‌شود به

قَرِيبٌ مِنْ : نزدیک به

فِي أَمَانِ اللَّهِ : خداحافظ

قَرْيَةٌ : روستا

قَصِيرٌ : کوتاه

قاف

قَادِمٌ : آینده ۴

قَطَعَ | يَقْطَعُ : بُرید | می‌بُرد

قَاطِعٌ : بُرنده ۳

قَلِيلٌ : کم

قَافِلَةٌ : کاروان «جمع: قَوَافِلُ» ۶

قَمَحٌ : گندم ۸

قَمَرٌ : ماه «جمع: أَقْمَارُ»

قَالَ | يَقُولُ : گفت | می‌گوید

قَمِيصٌ : پیراهن

قَوْل: گفتار ٤

كُرْسِيّ: صندلی «جمع: كُراسِيّ»

قِيَمَة: ارزش، قیمت

كَلَام: سخن

كُفْم: تان، - شِما «مذْكَر»

كاف

ك: مانند

كَمَا: همان طور که ٧

كَلَمَات: - تَو

كَلِمَات: تان، - شِما «مُثَنَّى»

كَلِمَات: - تَو «مُؤَنَّث»

كُنَّ: تان، - شِما «مُؤَنَّث»

كُنُوز: گنج «جمع: كُنُوز»

كَاتِب: نویسنده

كَيْف: چطور

كَانَ: بود

كِيْمِيَاء: شیمی

كَانَ: گویا، انگار ٢

كَبِير: بزرگ

لام

كَتَبَ | يَكْتُبُ: نوشت | می نویسد

ل: دارد، برای ٦

كَتَمَ | يَكْتُمُ: پنهان کرد | پنهان می کند ٢

لا: حرف نفی مضارع ٦

كَثِير: بسیار

لا: نه، هیچ نیست

كَذَبَ | يَكْذِبُ: دروغ گفت | دروغ می گوید ٤

لا خَيْرَ: هیچ خیری نیست ٤

كُرَّةُ الْقَدَم: فوتبال «كُرَّة: توپ / الْقَدَم: پا» ٣

لا شَيْءَ: هیچ چیزی نیست ٧

كُرَّةُ الْمِنْضَدَة: تنیس روی میز ٧

لا فَرْقَ: هیچ فرقی نیست

لَاعِب: بازیکن

میم

ما؟ : چه، چه چیز، چیست؟

ما يك؟ : تو را چه می‌شود؟ ٦

ما: حرف نفی ماضی

ماء : آب

ماذا؟ : چه، چه چیز؟

مائدة : سفره غذا ٨

مَبْرُوك : مبارك

مُبين : آشکار، آشکارکننده ٢

متى؟ : چه وقت؟ ٥

مُجالسة : همنشینی

مُجِدّ : کوشا

مَجنون : دیوانه ٧

مَجْهول : ناشناخته، گمنام

مُحافظة : استان ٩

مُختَبِر : آزمایشگاه ٤

مُدارة : مدارا کردن

لِأَنَّ : زیرا

لَيْسَ | يَلْبَسُ : پوشید | می‌پوشد

لِذَا : بنابراین ٤

لِسان : زبان

لَعِبَ | يَلْعَبُ : بازی کرد | بازی می‌کند

لُغَة : زبان

لِكِنَّ (لِكُنْ) : ولی

لَكَ : برایت، به سود تو

لَمَّا : هنگامی که

لِمَاذَا : چرا

لِمَنْ : مال چه کسی، مال چه کسانی

لَوْحَة : تابلو

لَوْن : رنگ «جمع: ألوان»

لَيْسَ : نیست

لَيْسَ لَهُ : ندارد، برایش نیست ٥

لَيْل : شب

مَدْرَسٌ : مَعْلَمٌ	مَعَاً : با هم ۵
مَدِينَةٌ : شهر «جمع: مُدُن»	مَعْجُونُ أَسْنَانٍ : خمیر دندان ۹
مُرَاجَعَةٌ : دوره ۱	مِفْتَاحٌ : کلید «جمع: مَفَاتِيح»
مَرْأَةٌ (الْمَرْأَةُ) : زن	مَكْتَبَةٌ : کتابخانه
مَرَّةٌ : بار، دفعه ۶	مَلَابِسٌ : لباسها
مَرَضُ السُّكَّرِ : بیماری قند ۶	مَلْعَبٌ : زمین بازی، ورزشگاه «جمع: مَلَاعِب» ۹
مَرَضَى : بیماران «مفرد: مَرِيض» ۳	مَلَكٌ : فرمانروا شد
مَسَاءٌ : شب، بعد از ظهر ۶	مُمَرِّضٌ : پرستار ۳
مُسَاعَدَةٌ : کمک	مَمْلُوءٌ بِـ : پُر از
مُسْتَوْصَفٌ : درمانگاه ۶	مِنْ : از
مَسْرُورٌ : خوشحال	مِنْ أَيْنَ : از کجا، اهل کجا
مَسْمُوحٌ : مجاز ۹	مَنْ؟ : چه کسی، چه کسانی؟
مِصْبَاحٌ : چراغ «جمع: مِصَابِيح» ۵	مَنْ : هرکس
مُصْحَفٌ : قرآن	مُنْشَفَةٌ : حوله ۹
مَصْنَعٌ : کارخانه	مِنْصَدَةٌ : میز
مَطْعَمٌ : غذاخوری، رستوران ۹	مُنْظَمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ : سازمان ملل متحد ۲
مَعَ : با، همراه	مَوْتٌ : مرگ
مَعَ السَّلَامَةِ : به سلامت	مَوْظَّفٌ : کارمند ۳

مُهْمَةٌ إِدَارِيَّةٌ : مأموریت اداری ۵

مِهْنَةٌ : شغل «جمع: مِهَن» ۳

مَهْنِدِسٌ زِرَاعِيٌّ : مهندس کشاورزی ۳

نُصُوصٌ : متن‌ها «مفرد: نَصٌّ» ۲

نَظْرٌ : نگاه

نَظْرًا يَنْظُرُ : نگاه کرد | نگاه می‌کند

نَظِيفٌ : پاکیزه

نَعْمٌ : بله

نَفْسٌ : خود ۴

نَفْسٌ : همان ۵

نَفَعًا | يَنْفَعُ : سود رساند | سود می‌رساند ۴

نَهَارٌ : روز

نِهَائِيَّةٌ : پایان

نَهْرٌ : رودخانه «جمع: أَنْهَارٌ» ۴

نِيَّةٌ : نیت «جمع: نِيَّاتٌ»

نون

نَا : همان ، - ما

نَاجِحٌ : موفق، پیروز

نَارٌ : آتش

نَاسٌ : مردم

نَافِذَةٌ : پنجره

نَجَحَ | يَنْجَحُ : موفق شد | موفق می‌شود ۲

نَحْنُ : ما

نَدِمَ | يَنْدِمُ : پشیمان شد | پشیمان می‌شود

نِسَاءٌ : زنان

نَسِيٌّ : فراموش کرد

نَسِيَانٌ : فراموشی

نَصْرًا | يَنْصُرُ : یاری کرد | یاری می‌کند

نَصْرٌ : یاری ۷

واو

وَاجِبٌ : تکلیف

وَاحِدٌ : یک

وَاسِعٌ، وَاسِعَةٌ : پهناور ۷

وَاقِفٌ : ایستاده

هَاء

هَاء	والِد : پدر
هُ : او ، شَس ، آن	والِدَة : مادر
هِيَ : شَس ، او ، آن	والِدَيْنِ ، والِدَانِ : پدر و مادر
هَاتَانِ : این دو، اینها «مؤنث»	وَجَدَ : پیدا کرد
هَجْرَ : دوری ۱۰	وَجَعَ : درد
هَجَمَ يَهْجُمُ : حمله کرد : حمله می کند ۷	وَجَّهَ : چهره
هَذَا : این «مذکر»	وَحْدَةً : تنهایی
هَذَانِ : این دو، اینها «مذکر»	وَحَدَّكَ : تو به تنهایی
هَذِهِ : این «مؤنث»	وَحِيدَ : تنها
هُذِي : این «به معنای هُذِهِ» ۱۰	وَرَاءَ : پشت
هَرَبَ يَهْرَبُ : فرار کرد فرار می کند	وَرْدَةً : گُل
هَلْ؟ : آیا؟	وَصْفَةً : نسخه ۶
هَلَكَ يَهْلِكُ : مُرد، هلاک شد	وَصَلَ : رسید
هُمَّ : آنها، ایشان «مذکر»	وَقَعَ : افتاد
هُمَّ : شان ، آنها «مذکر»	وَقَفَ : ایستاد
هُمَا : آن دو، آنها	وَلَدَ : پسر، فرزند «جمع: أولاد»
هُمَا : شان ، آن دو، آنها «مثنی»	وَلِيَّ : یار «جمع: أولیاء» ۹

هُنَّ : آنها، ایشان «مؤنث»

هُنَّ : ایشان ، آنها «مؤنث»

هُنَا : اینجا

هُنَاكَ : آنجا

هُوَ : او «مذکر»

هُؤُلَاءِ : اینان

هِيَ : او «مؤنث»

یاء

ي : من ، من

يا : ای

يَايَتَنِي! : ای کاش من!

يَد : دست

يَسَار : چپ

يَعْتَمِدُ : اعتماد می کند ۸

يَمِين : راست

يَوْم : روز «جمع: أَيَّام»

يَتَيْس : ناامید شد ۷



أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ ،
وَصَلْنَا إِلَى نِهَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
وَإِلَى اللَّقَاءِ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ ؛
اللَّهُ يَحْفَظُكُمْ ؛
سَوْفَ نُشَاهِدُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .





معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳، ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تهیه کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

